

هفته شکست های نظامی پی در پی رژیم

* ارتش عراق دهلران اشغال شده در تخلیه کرد

* عراق در منطقه زبیدات دست به پیشروی زد. ۲۰۰۰۰۰ سرباز ایرانی در این منطقه کشته و یا زخمی شدند

جریان داشت عراق توانست پس از یک درگیری خونین این منطقه را که ۶ سال پیش به تصرف جمهوری اسلامی درآمده بود، پس گیرد، عراق بلافاصله پس از پیشروی در زبیدات شهر دهلران را نیز به تصرف خود درآورد. عراق اعلام کرده است که در این منطقه ناحیه ای به وسعت ۴۰۰۰ کیلومتر مربع را تصرف کرده است. جنگ زبیدات، جنگی بسیار خونین بوده است. عراق می گوید در این منطقه ۲۰۰۰۰۰ سرباز ایرانی را کشته و یا زخمی کرده و ۷۲۰۰ نفر اسیر گرفته است. عراق اعلام کرد با پیشروی نیروهایش در این منطقه دیگر هیچ خطری جاده استراتژیک بصره به بغداد را تهدید نمی کند و اکنون در جبهه جنوبی دیگر هیچ نقطه ای از خاک عراق در تصرف جمهوری اسلامی نیست.

در روز چهارشنبه ۲۲ تیر پیشروی عراق در جبهه شمالی پس از تصرف حلبچه ادامه یافت و نیروهای عراقی توانستند چند بلندی بقیه در صفحه ۳

هفته گذشته، هفته شکستهای نظامی پی در پی رژیم بود. جنگ در همه جبهه ها از جنوب گرفته تا شمال جریان داشت و عراق توانست در همه جبهه ها پیشروی کند. این شکستهای پی در پی به شدت بر در ماندگی رژیم افزودند و ضربه روانی سختی را بر ماشین جنگی وارد آوردند. فرار از جبهه ها شدت گرفته است و اکنون وضعیت به گونه ای درآمده است که عراق در هر نقطه ای که بخواهد به راحتی می تواند دست به پیشروی بزند.

عراق در روز یکشنبه ۱۹ تیر (۱۰ ژوئیه) به پیشروی خود در جبهه شمالی ادامه داد و توانست چند بلندی سوق الجیشی تازه را فتح کند. پیشروی در این جبهه در روز بعد نیز ادامه یافت. عراق در روز سه شنبه ۲۱ تیر اعلام کرد که شهر حلبچه را پس گرفته است. رژیم شکست حلبچه را یک عقب نشینی آزادی که زمینه ساز پیروزی های بعدی خواهد بود - اعلام کرد. در این روز نبردهای خونینی در منطقه زبیدات



دوشنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۷ برابر ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۱۶

رژیم عاجزانه می پرسد:

چه شده است و چه باید کرد؟

اطلاعیه هیات دولت در روز سه شنبه ۲۱ تیر نشاندهنده همی درماندگی رژیم در مرحله شکستهای نظامی پی در پی است. اطلاعیه با طرح این سوال آغاز می شود که "چه شده است و چه باید کرد؟" سوال "چه شده است" را پیش از هیات دولت، خامنه ای چنین داده بود: "عقب نشینی (!) مادر فاو و شلمچه و فیره دارای عوامل و هلت های یکی دو ساله است و یک امر مقطعی نیست." (کیهان - ۱۱ تیر) آری، شکستهایشان دارای هلت ریشه ای است، اتفاقی نیست و ادامه خواهد یافت. آنها مذبذبان می گویند تا در تبلیغاتشان این هلت را صرفاً خارجی جلوه داده و مذلت درونی خود را پوشیده نگه دارند. در پاسخ به پرسش "چه باید کرد؟" همچنان بر روی تداوم جنگ و بسیج نیرو برای رسیدن به "پیروزی نهایی" (!) تاکید می کنند. در این زمینه در درونشان درگیری حادی جریان دارد، آنها نه از این زاویه که جناحیشان صلح طلب شده و یا از خیر جنگ گذشته است. موضوع مورد بحث در درون آنها موضوع بقاست دستهای بر تداوم جنگ به صورت پیشین تاکید می کند و دستهای دیگر بوی توفان را حس کرده و نگران موجودیت رژیم در صورت تداوم بقیه در صفحه ۲

تا چند روز دیگر ۱۰ زندانی سیاسی تیرباران خواهند شد جهانیان رابه نجات جان محکومین به اعدام فراخوانیم!

انوشیروان لطنی که به همراه دو مبارز دیگر از سازمان مجاهدین خلق و اتحادیه کمونیست ها در روز ۶ خرداد ماه در برابر جوخه تیرباران قرار داده شدند نیز شورایی عالی قضایی اطلاعیه مشابهی منتشر ساخته بود. با اطلاعیه اخیر شورایی عالی قضایی خبر اعدام های جمعی قریب الوقوع قطعیت یافته است. شاید خبر اجرای این بقیه در صفحه ۶

فتحای تبهکار یکبار دیگر قصد جان گروهی از فرزندان خلق را کرده اند. آنها که زندانیان سیاسی را گروهان های خود می دانند، از سر خشم ناشی از درماندگی فزاینده، کمر به قتل این پاکترین فرزندان مردم بسته اند. مطابق آخرین اخبار احکام اعدام ۲۴ تن دیگر از زندانیان سیاسی توسط دادگاههای اسلامی صادر شده است. شورایی عالی قضایی دو هفته قبل از اعدام رفیق

در این شماره

* نامه ای از همسر یک فدایی شهید
در صفحه ۶

* بسیج جنگی بی ثمر است
در صفحه ۲

* نقش احزاب کمونیست
در اروپای غربی

در صفحه ۱۲

کابینه، موضوع جدید کساکش مجلس و شورای نگهبان

به "دولت خدمتگزار" و کابینه وی حدت گرفته بود، هفته گذشته وارد مرحله جدیدی شد، اعمال نیروی مشخص "ولی فقیه" در جنگ وجدل درون حکومتی که خود را در دستور مختومه اعلام کردن پرونده انتخابات مجلس دوره سوم، در تأیید انشعاب جامعه روحانیت مبارز تهران، و بالاخره در تثبیت مقام نخست وزیری میر حسین موسوی متجلی می ساخت، اما تا در به مختومه اعلام کردن پرونده جنگ قدرت و بحران سیاسی نبود. گرچه مخالفین زیر فشار فرامین هالیه "ولی فقیه" پا پس کشیدند و سکوت کردند، اما بنیاد مخالفت و اساس مخالفت بر جای ماند. جنگ بر سر انتخابات و جنگ بر سر پست نخست وزیری، اینک به جنگ بر سر اعضای بقیه در صفحه ۳

مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۲۲ تیرماه هدم لزوم اجرای مفاد ماده ۱۴۵ آئین نامه داخلی مجلس را به تصویب رساند و بر این اساس میر حسین موسوی را از اجبار اخذ رای اعتماد برای یکایک اعضای کابینه اش معاف کرد. نفی لزوم اجرای ماده ۱۴۴ و ۱۴۵ آئین نامه داخلی مجلس، که به موجب آن نخست وزیر موظف است تا یک هفته بعد از گرفتن رای اعتماد، کابینه خود را به مجلس معرفی کند، در واقعیت امر حلقه بعدی سلسله اقدامات جناح طرفداران دولت بر بستر بحران سیاسی درون حکومتی به حساب می آید. بدین ترتیب بحران سیاسی حکومت که از همان نخستین روزهای سال جاری حول مسائل مربوط به انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی، موضوع رای اعتماد

بسیج جنگی بی ثمر است

وظیفه اضافه کرده ایم. این روش با روح جنگی به این وسعت سازش ندارد. در همه دنیا هنگام جنگ ذخیره ها را به تدریج فرامی خوانند. باید روی این روشها با تکیه به قوانین جدید کار شود." (کیهان ۱۲ تیر) در همین رابطه رئیس نظام وظیفه ضمن اعلام این که برای پیگرد سربازان فراری و مشمولین فایب "شناسنامه متولدین ۳۸ تا ۴۵ تعویض می شود" تاکید کرده است: "با تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا و وضع جدید ایجاب می کند که نیروهای منظم بیشتری در صحنه حاضر شوند که البته در قانون خدمت وظیفه همومی، نحوه احضار افراد مورد نظر پیش بینی شده و در هر لحظه که فرمانده کلی نیروهای مسلح تصمیم بگیرد و فرمانش را ابلاغ کند، سربازان این نیروها احضار خواهند شد. در حال حاضر خدمت دوره ضرورت در ایران ۲ سال است که اخیراً ۴ ماه اضافه شده است که طبق ماده ۱۷ قانون نظام وظیفه در صورت تصویب فرماندهی نیروهای مسلح این مدت را می توان به هر میزان که برای رفع نیاز نیرو لازم باشد، اضافه کرد." وی افزود: "هم اکنون که طرح تعویض شناسنامه در دست اجراء است به نحوی خواهد بود که تا چند ماه دیگر کلیه افراد مشمول فایب در کشور بی شناسنامه خواهند بود و با طرحهای تکمیلی دیگری که در دست بررسی است، هر فردی که اوراق هویتی یا اوراقی که مبنی بر انجام خدمت وظیفه بودن، در اختیار نداشته باشد، دستگیر میشود." (کیهان ۱۲ تیر) توسل به این تمهیدات نشاندهنده درماندگی رژیم و مقاومت مردم است. توسل به بگیر و بندگسترده، نفرت مردم از جنگ و رژیم را بیشتر دامن خواهد زد. مقاومت مردم همه این تمهیدات مذبحانه را بی نتیجه خواهد کرد.



کشتگان را خاک کرده اند. جای آنان را می خواهند پر کنند.

هر روز فتوا و فرمان می دهند که همه باید به جبهه بروند. تمام دستگاه تبلیغاتی رژیم بسیج شده است که وضعیت جنگی پررنگ جلوه کند تا شاید بسیج جنگی موثر باشد. در صدر خبرها، خبرهای مربوط به اعزام نیرو به جبهه را قرار داده اند. اما خبرها عمدتاً پوچند. حربه تبلیغات اساسی ثمر است. حتی پاسداران و بسیجی های حرفه ای از رفتن به جبهه ها سرباز می زنند.

سربازان رژیم چاره را در تشدید بگیر و بند دیده اند. بنا بر آن گذاشته اند تا علاوه بر تشدید فشار بر روی نیروهای کادر، سربازگیری را شدت بخشند، بر طول مدت سربازی بیفزایند و نیروهای احتیاط را نیز با زور سرباز به جبهه بفرستند. رفسنجانی، سپهسالار رژیم، بر این تمهیدات، سازماندهی جدید جنگی نام گذاری، تنها تلاشی است برای پرده پوشی بر روی بی ثمر بودن بسیج های جنگی.

رفسنجانی اخیراً برنامه های جدید رژیم برای ششیدن به سربازگیری و افزودن بر طول مدت سربازی را چنین بیان داشت: "در برنامه درازمدت در مرحله جدید، بهره گیری از مشمول بیشتر، فراخوانی نیروهای نظامی از همه مراکز و آوردن سربازهای وظیفه بیشتر است. ما باید نیروی رزمی ثابت را در جبهه زیاد کنیم و نیروی بسیج و داوطلب را برای مقاطع مخصوص نگاه داریم برنامه ما می تواند به صورت فراخوانی نیروهای منقضی و نیز تمدید دوره خدمت سربازی باشد. در این مورد داریم کاری کنیم. نمی توان به این متکی بود که مانند زمان صلح سرباز بگیریم. هراتی ها در تمام دوران جنگ هیچ سربازی را مرخص نکرده اند. در صورتی که ما تنها اخیراً چهار ماه به خدمت نظام

رژیم عاجزانه می پرسد:

چه شده است و چه باید کرد؟

بقیه از صفحه اول

دارد که مردم سریع تر از رژیم بدین سوال پاسخ گویند و این پاسخ را در حرکات گسترده مادیت بخشند.

چه شده است؟ در کشور ما رژیمی بر ویرانه های انقلاب بر تخت نشسته که سرکوب و اختناق رکن اساسی هویت آن است. این رژیم رنج و محنت زندگی کارگران و زحمتکشان کشور را صدچندان ساخته و موجودیت خود را با سرکوب خلق ها، با به خون کشیدن مبارزات مردم و با انباشته کردن زندانها و اعدام هزاران نفر از انقلابیون و آزادیخواهان حفظ کرده است. این رژیم زنان را به بند کشیده، هر اندیشه مخالفی را سرکوب کرده و ضمن حفظ و تحکیم استیلای سرمایه داری، فضای قرون وسطی را در کشور ما سیطره بخشیده است. این رژیم هشت سال است که هست و نیست کشور را بر سر جنگ نهاده است. بر اثر این جنگ کمتر خانواده ایست که هزادار نشده باشد. اکنون رژیم بیپای در حال شکست است. این شکستها نه اتفاقی اند، نه محب نشینی تاکتیکی اند و نه با مهارت جنگی و امکانات نظامی هراتی ها قابل توضیحند. این شکستها، شکست جنگ است و شکست رژیمی است که بر طبل جنگ می کوفت و می کوبد.

چه باید کرد؟ تشدید مبارزه علیه رژیم. توضیح وسیع این موضوع که

عاقبت "فتح موعود" توضیح این که رژیم قاتل هر آن کسی است که در جبهه به خاک افتاد. توضیح این که رژیم مسبب همه بدبختی هاست، مسبب تفرقه بودن سفره مردم است، مسبب فقر و بیکاری دامن گستر است، مسبب همه فسادهای اجتماعی است. اکنون رژیم باید تقاص پس دهد. از وضعیت موجود باید وسیع ترین بهره گیری را به عمل آورد. در هفته ها و ماههای جاری مبارزه باید بتواند وارد مدار بالاتری گردد.

این پاسخها را باید وسیعاً به میان مردم برد. باید به وسیعترین اتحادها برای تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم، تجسم واقعی بخشید. باید با تمام وجود در سازماندهی مبارزه کوشید و فرصت چاره جویی نداد.

وضعیت بحرانی فعلی است. اکنون تبلیغات همه گروه بندیها بر روی پیش برد جنگ متمرکز است این عامل نباید باعث شود که درگیری های درونی رژیم را بر سر نحوه پیشبرد جنگ از نظر دور داریم و از جایگزین شدن یک سیاست به جای سیاست دیگر، یا امتزاج معینی از آنها غافل بمانیم. خط سبب سالار رژیم را از این زاویه باید پی گرفت. او اخیراً در مصاحبه ای اعلام کرد: "ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح جو معرفی کند. خطبای و مسئولان تبلیغاتی ضمن تاکید بر ادامه نبرد تا پیروزی باید مواظب باشند از این ترفند استکبار جهانی جلوگیری کنند. بنابراین هرگاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به میان می آید، بر موضوع لزوم ختم جنگ از راه غیرنظامی هم تاکید شود."

(کیهان ۱۲ تیر). بر مبنای همین خط است که رفسنجانی کوشید از "تندروی حزب الله" پس از به موشک بستن هواپیمای مسافربری ایران از سوی آمریکا جلوگیری کند و آنگونه که همه مطبوعات غربی نوشتند، سیاست "معقولی" داشته باشد. در هفته قبل روزنامه واشنگتن پست این سیاست چهره اصلی رژیم خمینی را برجسته ساخت و در ضمن به سیاست دو وجهی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی اشاره کرد. یک وجه این سیاست مقابله جویی به شکل فرستادن ناوگان جنگی به منطقه است و وجه دیگر آن بازکردن باب رابطه با جانشینان خمینی است. آن سیاست "معقول" می تواند با این سیاست "معقول" انطباق یابد و بدینسان به نوشته واشنگتن پست مشکلات موجود در روابط تهران و واشنگتن برطرف گردد.

این "معقولیت" به سادگی نمی تواند ارباب زور در رفته رژیم اسلامی را به دنبال بکشد و نفس مطرح شدن آن نشان دهنده عمیق ترین بحرانها در کل دوران موجودیت رژیم خمینی است. در چنین شرایطی برای مردم نیز این سؤال مطرح است که "چه شده است و چه باید کرد؟" تحول اساسی در وضعیت بستگی بدان

جنایتکارهای متقابل

آورگان دربانان از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است. بر اثر این حمله یک نفر کشته شده و ۱۵۰ نفر زخمی شده اند.

عراق نیز متقابلاً اعلام کرد که جمهوری اسلامی علیه چند پایگاه نظامی عراق سلاحهای شیمیایی به کار برده است. هم اکنون هیاتی از سازمان ملل در بغداد به سر می برد و در حال بررسی شکایت عراق در مورد کاربست سلاحهای شیمیایی از سوی رژیم خمینی است.

عراق در آغاز هفته گذشته اعلام کرد که رژیم خمینی گروهی از اسیران جنگی عراقی را که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت (۱۵ ماه مه) در جبهه ماوات به اسارت گرفته بود، کشته است. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق در این رابطه نامه ای به دبیر کل سازمان ملل نوشت و خواهان رسیدگی به وضعیت اسرای عراقی در ایران شد.

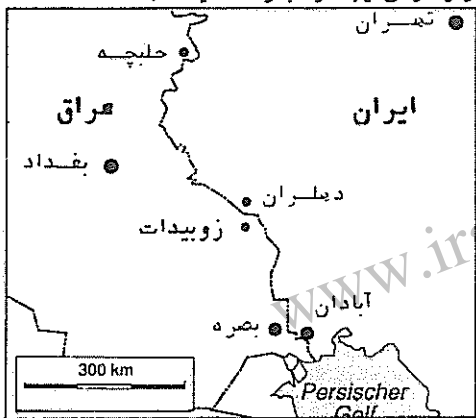
جمهوری اسلامی اعلام کرد که عراق در حمله به یک اردوگاه

هفته شکست های نظامی پی در پی رژیم

وحشت می کردند. اکنون خطر از سرگرفتن جنگ شهرها نیز به صورت یک خطر جدی درآمده است.

روز یکشنبه اعلام شد که ارتش عراق شهر ایرانی دهلران را تخلیه کرد و به پشت خط مرزی بازگشت. خروج نیروهای عراقی از مناطق اشغالی در این منطقه، پس از درهم کوبیده شدن استحکامات ارتش ایران صورت گرفت.

در روز یکشنبه همچنین اعلام شد که مقامات عالی رژیم خمینی به اتفاق فرماندهان نظامی جلسه مشترکی تشکیل دادند. از نتایج این جلسه هنوز اطلاعی در دست نیست.



بقیه از صحنه اول سوق الجیشی مشرف به این شهر را تصرف کنند. در این روز در دیگر نقاط مهم جبهه های مرکزی و جنوبی نیز درگیری های خونین ادامه یافتند. عراق علاوه بر تصرف دهلران در ناحیه حاج عمران نیز پیشروی مهمی داشت. در روز پنجشنبه ۲۳ تیر جمهوری اسلامی با عنوان این که "رزمندگان اسلام در منطقه عمومی حاج عمران در مواضع پدافندی جدیدی مستقر شدند"، به شکست در جبهه حاج عمران نیز اعتراف کرد.

در هفته گذشته هواییهای عراقی مدام بر فراز شهرهای کردستان جولان می دادند و با شکستن دیوار صوتی ایجاد رعب و

بسمه تعالی
توجه
کلاه و ماسک ایمن
با فیلتر زغالی و صافی آغشته به جوش شیرین
برای اولین بار در ایران توسط
فراپر
تولید و آماده تحویل است.
تلفن ۰۸۱۱۹ - ۰۴۱
تیریز صندوق پستی ۱۴۷۳ - ۵۱۳۵۰

هراس از بمباران شیمیایی وسیله ای برای اخاذی مردم توسط سرمایه داران فارتگر است. در روزنامه های ایران این روزها آگهی های تبلیغاتی از نوع آنچه که در بالامی بینید، جاباز کرده است.

اجرای طرح چرا انتخاب شده است. اما گمانی نیست که این "قید" در همان رابطه ای ذکر می شود که از خامنه ای رئیس جمهور رژیم در زمینه معرفی نخست وزیر به مجلس، در کمال رعایت سکوت، سلب اختیار می گردد!

جنگ قدرت ادامه دارد. طرفین در سنگرهای جدید مستقر شده اند. موضوع رای اعتماد به یکایک اعضای کابینه می تواند منشاء درگیری حاد طرفین گردد، چرا که فرمان "ولی فقیه" در راستای تثبیت موسوی، هنوز شامل حال وزرا نمی شود. موسوی که در هنگام اخذ رای اعتماد خود از مجلس "پالایش" یافته، از فراز سر رئیس جمهور پرید، اینبار می کوشد نمایندگان مخالفش را دور بزند. شورای نگهبان مخالف است و مجمع تعیین مصلحت نیز بنا به مصلحت تا این لحظه سکوت کرده است!

که جلسه همان روز خود، "پس از گفتگو و بررسی طرح" آنرا مقایسه با قانون اساسی اعلام کردند و از موسوی خواستند تا یکایک اعضای کابینه خود را برای اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی کند. و بدین ترتیب دور جدید جنگ مجلس و شورای نگهبان آغاز شد.

کیهان دولتی ۱۹ تیرماه، ضمن بازتاب دادن خبر تصویب دوفوریت طرح عدم اجرای ماده ۱۴۵ آئین نامه داخلی مجلس، اعلام کرده بود که این موضوع موقت بوده و تنها این دوره را دربر می گیرد. کیهان دولتی همچنین به زبان پر معنایی نوشته بود: "پیش بینی می شود که مدت اجرای طرح مذکور تا پایان دوره ریاست جمهوری محبت الاسلام باشد." کیهان توضیح داد که قید "پایان دوره ریاست جمهوری خامنه ای" برای مدت

کابینه، موضوع جدید کشاکش مجلس و ...

بقیه از صحنه اول کابینه "دولت خدمتگزار" پدل شد.

از رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به میر حسین موسوی که تنها به ضرب قدرت "ولی فقیه" و "پالایش" نمایندگان مجلس تحصیل شده بود، دو هفته می گذرد. طبق ماده پیش گفته آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، میر حسین موسوی موظف به آن بود که هفته قبل اعضای کابینه خود را برای اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی کند. اما اگر موسوی در هنگام اخذ رای اعتماد خودش، مقام ریاست جمهوری خامنه ای را دور زده بود و خلاف قاعده بازی، مستقیماً به مجلس منتخب دولت رجوع کرده

بود، اینبار کوشید تا نمایندگان مخالف دولت مجلس را دور بزند. بر همین اساس، روز یکشنبه ۱۹ تیرماه به جای آنکه لیست اعضای کابینه موسوی به مجلس شورای اسلامی ارائه گردد، طرح دوفوریتی عدم لزوم اجرای مخاد ماده ۱۴۵ آئین نامه داخلی مجلس، که در واقعیت امر معافیت موسوی از این وظیفه بود، در مجلس مطرح شد و دوفوریت آن به تصویب رسید. تنها سه روز پس از آن، مجلس با حضور اعضای شورای نگهبان عدم لزوم اجرای ماده ۱۴۵ را به تصویب رساند. اما حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس به هنگام تصویب این طرح، مانع از مخالفت بعدی شورای نگهبان نشد. اعضای شورای نگهبان

مجلس منتخب دولت رجوع کرده

۳ هزار نفر از اهالی جمشید تهران دستگیر شدند

دستگیر شده به کمیته انتقال یافتند و زنان و کودکان به اردوگاه، ۳ هزار نفر زن، مرد و کودک معتاد، بی سرپناه و فقر زده دستگیر شدند تا بوق و کرنای تبلیغاتی مبارزه علیه قاچاق و فساد طنین بیشتری یابد اما مردم می دانند که دستگیر شدگان قربانیان رژیم ستم شاهی و جمهوری اسلامی هستند، و حال جمهوری اسلامی خانه آنان را بر سرشان آوار می کند و آنان را بی سرپناه می سازد تا عاملین اصلی فساد و تباهی از خشم مردم در امان باشند.

طرح احداث دو پالایشگاه نفت در بندر عباس و اراک

از طریق صدور نفت خام تامین خواهد شد. وزیر نفت در ادامه سخنان خود با اشاره به افزایش حوزه های همده اکتشاف، اظهار کرد که جمهوری اسلامی در نظر دارد برای توسعه فعالیتهای اکتشافی خود از "متخصصین خارجی" استفاده کند.

آغاز در زمینه تولید و فروش نفت ایران، با اشاره به سقف تولید نفت ایران در سالهای ۶۸ و قبل از آن پرداخت و با تاکید بر توان تولید ایران تا ۵ میلیون بشکه نفت در روز نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی نیز قادر است تولید نفت را به حد پیشین برساند. وی همچنین پیش بینی کرد که با پایان جنگ، ایران نقشی جدی تر در اوپک خواهد یافت و ایران با کشورهایی که هم اکنون دشمن است رفتار دوستانه ای خواهد داشت.

در ایران سالانه ۵۰ هزار کودک زیر ۵ سال می میرند

هر روز در کشور ما ۹۵۰ نفر می میرند که ۳۶۵ نفر آنان کودکان زیر پنج سال هستند. از این ۳۶۵ کودکی که هر روز و هر روز جان می بازند، ۱۳۰ نفر هرگز به ماه دوم تولد نمی رسند و ۱۶۰ نفرشان نیز قبل از پایان یک سالگی زندگی را وداع می گویند و خلاصه اینکه از ۳۶۵ نفر گل شکفته، ۵۷ کودک هر روز فقط به دلیل بیماریهای قابل پیشگیری با واکسن و ۷۸ نفر آنها (۲۲ درصد) به دلیل اسهال می میرند. مطلب فوق بخشی از گزارش روزنامه کیهان دولتی در زمینه مرگ و میر کودکان در رژیم جمهوری اسلامی است. در ادامه همین گزارش تاکید شده است که روزانه ۷ مادر به دلیل عوارض حاملگی و زایمان، و تعدادی نوزادان سو تغذیه تلف می شوند. آمار گزارش کیهان حاکی است که سالانه بیش از ۵۰ هزار کودک زیر پنج سال تنه به هلت بیماریهای واگیر ساده دوره کودکی و فقدان امکانات اولیه بهداشتی از بین می روند. کثرت مرگ و میر کودک در استانهای سیستان و بلوچستان نسبت به سایر مناطق بالاتر است. در برخی از شهرهای این استان از جمله ایرانشهر و چابهار به سبب فقر شدید فرهنگی "حتی پنج دختر با میزان سواد کلاس پنجم ابتدائی وجود ندارد تا به عنوان بچورز" در امر بچو بد بهداشت منطقه فعالیت کنند.



آینده ایران و تلاش "غربی" ها

"روزنامه هربی زبان القیس چاپ کویت در آخرین شماره خود در هفته گذشته نوشت: هلموت کهل صدراعظم آلمان فدرال در جلسه محرمانه ای در اتریش که به منظور بحث درباره آینده ایران ترتیب یافته بود، شرکت کرده است. به نوشته این روزنامه شرکت کنندگان در جلسه وین که در میان آنان هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا حضور داشته، توافق داشته اند که تلاشهای لازم برای کمک به رژیم جمهوری اسلامی صورت گیرد تا تحولات سیاسی آتی در ایران قابل کنترل "قرب" باشد.

همزمان با انتشار خبر فوق، لاریجانی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی تحت عنوان دیدار رسمی سه روز وارد اتریش شد. وی روز سه شنبه ۱۴ تیر با الویس ماک معاون صدراعظم و وزیر خارجه اتریش در وین دیدار و گفتگو کرد. لاریجانی در بازگشت از وین، در رم با جولیو آندرتوتی وزیر امور خارجه ایتالیا نیز ملاقات کرد.

آموزش کارشناس اتمی در پاکستان

در هفته گذشته اطلاعات تازه ای از روابط پنهانی دولت پاکستان و رژیم ولایت فقیه در زمینه فعالیت های اتمی برملا شد. بر اساس نوشته هفته نامه انگلیسی زبان "بزرور" چاپ لندن روابط دو کشور فراتر از مبادله اطلاعات علمی و همکاری در چارچوب موازین بین المللی است. "بزرور" به نقل از منابع آگاه نوشته است که هم اکنون متخصصین سازمان انرژی اتمی ایران در آزمایشگاههای اتمی پاکستان مشغول آموزش تجربیات پاکستان در زمینه های مختلف کاربرد انرژی اتمی هستند. قرارداد مبادله کارشناس و آموزش متخصصین ایرانی در سال ۶۶، بین دو کشور منعقد شده است. قرار دادهای همکاری را رضا امراللهی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و دکتر "میرخان" همتای پاکستانی وی در ژنو امضا کرده اند. طبق همین قرارداد هم اکنون ۶ تن از کارشناسان اتمی ایران در پاکستان مشغول فعالیت هستند. پاکستان از جمله کشورهای آسیایی است که قادر است سلاح اتمی تولید کند.

پروازهای خارجی

"ایران ایر" از سر گرفته شد

پروازهای خارجی شرکت هواپیمایی ملی ایران که از روز یکشنبه ۱۲ تیر به مدت ۳ روز در پی سرنگونی هواپیمای "ایرباس" در آبهای خلیج فارس متوقف شده بود، از روز چهارشنبه ۱۶ تیر ماه از سر گرفته شد. روز چهارشنبه یک هواپیمای بوئینگ ۷۰۷، با ۱۹۰ سرنشین که از بستگان هواپیمای سرنگون شده بودند، هازم دوی شد. قبل از حمله روزمنامو آمریکایی به هواپیمای ایرانی، در هفته پنج پرواز از مقصد بندر عباس به دوی دایر بود.

اعتصاب کارگران نساجی قائم شهر

بدستور مدیریت کارخانه نساجی شماره ۲ قائم شهر، در اردیبهشت ماه معادل چند روز دستمزد کارگران، از حقوق ماهانه آنها کم کردند، کارگرانی که در هنگام دریافت حقوق از این دستور مطلع شدند به اعتراض برخاستند، اما مدیریت کارخانه حتی حاضر نشد هلت این کار را توضیح دهد. در اعتراض به این اقدام خودسرانه ضدکارگری، کارگران هر سه شیفت کار کارخانه نساجی به مدت یک ساعت دستگاه‌ها را خاموش کرده و دست از کار کشیدند. پس از این حرکت اعتراضی مدیریت توضیح داد که جهت کمک به جیبه از حقوق ماهانه کارگران کسر کرده‌اند، این هذر بدتر از گناه نفرت کارگران را افزوده تر ساخت.

اعتصاب علیه اختلاس مدیریت

مدیریت کارخانه سنتاب مثنی عناصر فاسد و ضدکارگر هستند. آنها با اختلاس سرمایه و اموال کارخانه و سوء استفاده در عقد ترا دادها به قارت ثمره کار کارگران مشغولند. اخیرا وقتی که خبر سرعت یک نفره دیگر از درسی ملیشان فاش گردید، کارگران به اعتراض برخاستند، کارگران برای بیان اعتراض خود به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند.

اعتصاب رانندگان برای دریافت وسایل یدکی سرکوب شد

رانندگان مینی‌بوس‌های کرایه مسیر سوادکوه - قائم شهر در اواخر اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. هلت اعتصاب نایابی و گرانی کمرشکن وسایل یدکی بویژه لاستیک بوده است. اعتصاب کنندگان خواستار بودند که دولت موظف به تامین این وسایل به نرخ رسمی گردد. در مقابل به این اعتصاب، مزدوران رژیم به اجتماع رانندگان یورش بردند. آنها عده‌ای از رانندگان را دستگیر و زندانی کردند.

مذاکرات ایران و کانادا

به گزارش خبرگزاری رویتر ایران و کانادا سلسله مذاکراتی را برای از سرگیری فعالیتهای دیپلماتیک آغاز کرده‌اند. "جو کلارک" وزیر امور خارجه کانادا طی مصاحبه مطبوعاتی ضمن تأیید خبر مذاکرات تهران و اتاوا، اظهار کرد که کانادا و ایران پیرامون از سرگرفتن روابط دیپلماتیک خود که از سال ۱۹۸۰ به دنبال دخالت مخفیانه دیپلمات‌های کانادا در تهران برای خروج شش دیپلمات آمریکایی از ایران تیره شده بود، مشغول مذاکره هستند. هم اکنون یک هیات نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی در کانادا به سر می‌برد.

تاکنون مناسبات دیپلماتیک کانادا با ایران از طریق سفارت دانهمارک در تهران صورت می‌گرفت. برقراری روابط دیپلماتیک دو کشور

مقاومت کارگران در برابر ازام اجباری به جیبه

چندی پیش توسط مسئولین کارخانه پارچه‌بافی مقدم اسامی عده‌ای از کارگران برای ازام به جیبه اعلام گردید. اعلام ازام اجباری کارگران به جیبه با واکنش شدید اعتراضی کارگران روبرو شد. مخالفت کارگران مانع اجرای این تصمیم گردید.

باختران:

مرگ بر جنگ مرگ بر خمینی

در شب ۲۴ خرداد هنگام قطع برق، در چهارراه اجاق باختران مردم با بهره‌گیری از تاریکی به شعار دادن علیه رژیم می‌پردازند. با فریاد شعارهای مرگ بر خمینی، مرگ بر جنگ جمع زیادی گرد آمدند. کمی پس از آغاز این حرکت پاسداران کمیته به محل گسیل می‌شوند. آنها با مسدود کردن گذرگاه‌های این محل کوشیدند، شعار دهندگان را محاصره و دستگیر کنند. اما تلاش آنها بی‌فایده بود و قادر به دستگیری هیچ‌کس نگردیدند.

فرار از جیبه افزایش یافته است

جوانانی که به زور راهی پادگانها و جیبه‌ها شده‌اند، با شنیدن خبر افزودن ۴ ماه به مدت خدمت سربازی، دچار خشم شدیدی گردیده‌اند. اعلام این خبر فرار از جیبه‌ها را به میزان زیادی افزایش داده است. در موارد بسیاری کسانی که فرصت گریز از جیبه نداشته‌اند اقدام به خودزنی و حتی خودکشی کرده‌اند.

از ۳۲۰ جوانی که برای طی دوره آموزشی در پادگان حاجی‌آباد باختران خدمت می‌کردند در پایان دوره تنها ۵۸ تن باقی ماندند. بقیه آنها هریک بگونه‌ای در طی ماههای اسفند و فروردین از پادگان گریختند.

زمینه گفتگو و همکاری با آمریکا را برای جمهوری اسلامی مساعدتر خواهد کرد.

در طی جنگ

۵۴۰ کشتی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته است

خبرگزاری فرانسه به نقل از بیمه لویدرز در لندن اعلام کرد که از سال ۱۹۸۰ و پس از آغاز جنگ ایران و عراق تاکنون ۵۴۰ کشتی تجاری و تانکر نفتی در خلیج فارس از سوی نیروهای ایران و عراق هدف حمله قرار گرفته و خسارت دیده است.

بنا به گزارش لویدرز در حال حاضر ۹۳ کشتی در منطقه اروندرود - شط العرب از کار افتاده و محصور می‌باشند.

از رنج بی پایان کشاورزان

کشاورزان استان باختران نیز مثل کشاورزان دیگر مناطق کشور برای تهیه وسایل کشت در شرایطگرانی کمر شکن ناگزیر به تحمل مصائب طاققت فرسایمی هستند. در فصل کاشت در بهار، تراکتورها بدون گازوئیل و روغن مانده بودند. سهمیه دولتی گازوئیل از همیشه کمتر شد بگونه‌ای که به هیچ وجه کفایت کار را نمی‌داد. این سهمیه نیز همواره با تاخیرهای فزون از حد تحویل گردید. دولت ملیرفم اینکه متعهد به دادن کود شیمیایی به روستائیان شده بود، از انجام تعهد خود بازماند و سرباز زد. روستائیان بناچار کود را از بازار سیاه و به قیمت باور نکردنی هر کیسه‌ای ۵۰۰ تومان خریداری کردند. علاوه بر این آفت سن در کشتزارها شیوع پیدا کرده که در بسیاری از روستاها خسارات فراوانی ببار آورده است. ارگانهای دولتی تاکنون برای مقابله با این آفت اقدام موثری صورت نداده‌اند.

ایستادگی شیر زنان بلوچ در برابر ژاندارها

* چندی پیش گروهی از ژاندارها برای سربازگیری به روستای اوگینک از توابع لاشار (در استان بلوچستان) ریختند. در برابر این تعاجم زنان روستا پیا خاستند. آنها دسته جمعی با ژاندارها روبرو شدند. در نتیجه درگیری چند ژاندارم مضروب گردیدند. ژاندارها بناچار عقب نشسته و بادیست خالی روستا را ترک کردند. مقاومت در برابر اکیپ‌های سربازگیری در تمامی روستاهای بلوچستان دیده می‌شود. در اثر این مقاومت ژاندارها در موارد اندکی جرات ورود به روستا را به خود می‌دهند. آنها ترجیح می‌دهند در جاده‌ها کمین بنشینند.

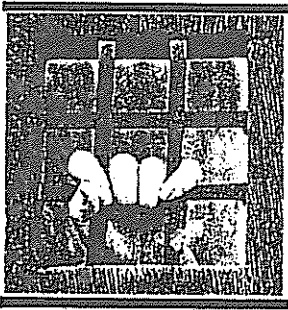
* گرانی ارزاق همومی در بلوچستان جانکاه‌تر از دیگر مناطق کشور است. در این وضعیت بلوچ‌های فقیر حتی نمی‌توانند حداقل آذوقه را تامین کنند و بناچار گرسنگی می‌کشند. بهای برخی از کالاها در منطقه لاشار بلوچستان چنین است:

یک کیسه آرد ۸۰۰ تومان
قوطی ۵ کیلوئی روغن نباتی پاکستانی ۸۰۰ تومان
گوشت هر کیلو ۳۰۰ تومان
برنج پاکستانی هر کیسه ۹۰ کیلوئی ۶۰۰۰ - ۳۵۰۰ تومان
مرغ هر عدد ۳۰۰ تومان

* بدنبال بارندگی شدید نیمه دوم اردیبهشت ماه در منطقه لاشار، به کشتزارهای دهقانان خسارات شدیدی وارد شد. تعدادی از قنوات نیز در روستاهای هیدوبج، الل‌آباد، پامونت واسیکه فروریخت. طبعا از سوی مقامات دولتی هیچ اقدامی جهت جبران خسارات و ترمیم قنوات به عمل نیامد.

نامه‌ای از همسر يك فدایی شهید

به پسر می گویم عموهايت خونخواه پدريت خواهند شد



سر سخاتنه و قهرمانانه آنان است که جان می‌یابم. و چقدر کوچک هستم من در مقابل هزاران زندانی سیاسی که با قامتی استوار در دفاع از آرمان مردمی خویش ایستاده‌اند و در زندان مبارزه می‌کنند و به کوری چشم دشمن جراحتهای همدیگر را مرهم می‌گذارند و دست در دست هم بدور از تفرقه‌های خودخواهانه، اهتصاب فدا می‌کنند و سرود اتحاد و همبستگی را سر می‌دهند. بدون تردید خون تمام شهیدان خلق چرافی فراراه مبارزات خلق ما خواهد شد.

چقدر حقیرند دستان ناتوان من دستهای شکنجه ندیده من، پشت شلاق نخورده من در مقابل هزم و اراده آنانکه ماهها بیخوابی و تعزیر و شلاق را با سرفرازی پشت سر می‌گذارند. این همه وظیفه انجام نشده اینهمه سردرگمی و بیجوده کاری...؟

فردا وقتی پسر می‌پرسد مادر تو چه کردی؟ در کجای تاریخ جای داری چه جوابی دارم که بدهم. برآستی با اینهمه دین که به گردن داریم در مقابل این همه شهادت عزیزانمان که در تاریخ تاریکی دخمه‌های زندان رازدار خلق باقی می‌مانند و با خون خود درخت آزادی فردا را آبیاری می‌کنند، چه پاسخ خواهیم گفت. چقدر ناکافی است این حرکات پراکنده ما در مقابل حمل مادرانی که زیر چکمه‌های خونین پاسداران ظلمت مشت‌ها را گره می‌کنند و با هم با صدائی که عظمت همه تاریخ را با خود دارد و با صدائی که همه مهربانی مادر زمین را در خود دارد و با خود شهادت قهرمانان تاریخ را بیاد می‌آورد. همه با هم می‌گویید درود بر زندانی سیاسی - زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

صدای گلوله می‌آید خون از پیشانی مادری و از گلو همسری جاری می‌شود و این بار با حنجره خونینی فریاد بر می‌آورند و درود بر زندانی سیاسی.

عزیزانمان می‌رفتیم روشن شد، هر که شنید گریه کرد. باز هیچ مادری، پدری، همسری نپرسید او از چه گروهی بود.

وقتی در تاکسی تعریف کردم شوهرم مانند خیلی دیگر از زندانیان سیاسی یکی از هزاران فرزند رشید این خلق به پا خاست و قهرمانانه ایستاد و چون منصور بر دار شد، هیچکدام از مسافران نپرسیدند از چه گروهی بود، فقط هر کدام به نوبه خود درودی فرستاد یکی گفت روحش شاد. یکی گفت جایش در بهشت است و یکی هم گفت خانم جایش همیشه در تاریخ خواهد ماند. در قلب همه خواهد ماند. خانم اینها روشنایی امید ما هستند، دل ما از سرفرازی آنها از گرمای استقامت آنها جان می‌گیرد. و متفقا گفتند چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند و نوری پرسیدند فرزندی از او داری گفتم آری خیالشان آرام شد گفتند پس یادگارش مانده برای ما عزیز است. کاش خانم بتوانیم یک روزی زحمات این عزیزانمان را جبران کنیم. همه در آخر پیاده شدند با برق امیدوی از مبارزه در چشم و خشمی فروخورده در دل.

و حالاً من هنوز هر روز در قم عزیز می‌نشینم. نه من، که هر مادری که پس از بارها ملاقات و قطع ملاقات پس از روزهای سخت ملاقات عزیز اینطرف شیشه‌های هفتی زندان که هر دو طرف سعی می‌کنند به هم روحیه بدهند. زندانی سالها شکنجه و رنج دیده سعی می‌کند لوزش دستش را خانواده‌اش نبیند و خانواده سعی می‌کند که از دردهای بیشمار خانوادگی و شخصی‌اش چیزی بازگو نکند. بعد از ماهها بلا تکلیفی خبر اعدام فرزندش را می‌شنود. من و هر مادری که آن روزها را دیده نه فقط یکبار که هر روز هرگاه سحرگاه و شامگاه اوین با خون عزیز می‌گلگون می‌شود دوباره داغدار می‌شویم. ایقان عموهای بیشمار پسرکم هستند که در لالائی‌های شبانه برایش خوانده بودم که خونخواه پدر خواهند شد. هنوز با هر دستگیری این عزیزان من هستند که به سیاهچاله‌های اوین فرستاده می‌شوند و آنگاه که خبر اهتصاب فدای آنان را می‌شنوم من از رزم

به همدیگر سربزیم. آن مجاهد مبارز پیام توده‌ای ممنوع الملاقات را به خانواده‌اش می‌داد و راه کارگری از مبارزات فدائیان نقل می‌کرد و آن توده‌ای از فدائی اقلیتی که اهدامش کردند تعریف می‌کرد.

شکلاتهایی که پسرکم که در آخرین ملاقاتها (قبل از اهدام) به پدرش رساند بین زندانیان هم سلول با نام‌های گروهی متفاوت تقسیم شد.

و مادر بیژن از مادر روستائی کرد که با شنیدن خبر اهدام فرزندش در خاک می‌فتند نمی‌پرسید پسرت وابسته به چه گروهی بود. به سوش می‌دویدیم، آبی به مادر می‌دادیم زیر بقلش را می‌گرفتیم، زیر گوش می‌گفتیم مادر سرپا بایست مثل پسرت همه ما را جلو دشمن روسفید کن. مادر کدام شهید را قدر می‌شناسی به حرمت هر کدام که قبولشان داری سرپا بایست، دشمن را با استواری خودت خوار کن.

وقتی پسرکم پشت درهای زندان ساهتهای طولانی زیر آفتاب سوزان یا سرمای کشنده زمستان بی طاقت می‌شد، هیچ مادری نمی‌پرسید پدريت با چه سازمانی کار می‌کرد. هر کس می‌خواست طوری سرگرمش کند، با شکلات یا قهقه خورشید.

آنوقت که خبر اهدام همسر بعد از مدتی برای خانواده‌های دیگر زندانی که با هم به ملاقات

وقتی پسرکم را برای ملاقات پدرش بردم بعد از یکسال اولین بار بود که آن گروه از زندانیان ملاقات می‌گرفتند، اگر چه بودند در میانشان کسانی که بعد از سه سال برق شادی دیدار دوباره مردم در چشمانشان می‌درخشید. با شور و شغنی بی حد پیکر نحیفشان را بزحمت راست نگه می‌داشتند. در چشمان درشتشان که روی صورت استخوانی جلوه‌های چون خورشید داشت برق شادی را می‌دید. با سر به اشاره با هر خانواده‌ای سلام می‌کردند. برای پسرکم دست تکان می‌دادند هر چند که می‌دانستند اینهم خود از نظر زندانیان جرم است. از پسرکم نمی‌پرسیدند پدريت جزو چه گروهی بوده و یا نام او چیست. آنها برای شور زندگی برای فروغ آینده که در فرزندم می‌دیدند لبخند می‌زدند. آنها زندگانی را با تمام وجود لمس می‌کردند. قدر کودکان، قدر آزادی، قدر عشق و آزادی را صد چندان که ما درک می‌کنیم لمس می‌کردند.

خیلی از آنها همدیگر را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند وابسته به چه گروهند ولی باز هتاب و خطاب شکنجه‌گران را بجان می‌خریدند تا لبخند پیروزی را همراه سلامی و نگاهی به هر زندانی دیگری که دیده می‌شد بیاندازند.

از جوان ۱۶ ساله تا پیر ۷۰ ساله با قلبی پر امید برای آنانکه بیرونند - همه از ما می‌خواستند قدر زندگی را بدانیم دیو تفرقه را در هم شکنیم

تا چند روز دیگر ۱۰ تن از زندانیان سیاسی ایران

تیرباران خواهند شد

بقيه از صحنه اول

احکام تبهکارانه هیچگاه اعلام نشود شاید هم تاکنون این احکام را به اجرا در آورده باشند.

به افشای این جنایات برخیزیم! جهانیان را به نجات جان زندانیان سیاسی ایران فراخوانیم. انجام هر آنچه که ممکن است وظیفه عاجل و تاخیرناپذیر هر ایرانی آزاده است؛ هر آنکه دل با مردم دارد. این ده تن که به پای جوخه اهدام برده می‌شوند، با هر تعلق

سازمانی و هر عقیده‌ای که دارند در پیکار با رژیم قرون وسطایی خمینی اسیر شده‌اند، آنها رزم مشترکی را علیه رژیم ولایت فقیه به پیش برده‌اند. پشتیبانی از آنان افشای جنابیتی. که تدارک دیده شده است وظیفه مشترک هر عنصر مبارز و هر سازمان و حزب ترقیخواه است. اجتناب از حضور در هر صحنه این رزم مشترک بیگمان جز به کام دشمنان مردم، دشمنان صلح و آزادی نیست.

دور از میهن

تظاهرات به مناسبت روز جهانی پناهنده در کراچی

پاکستان - اعتصاب غذا، بالابان دوخته، در زندان

بنا به گزارش روزنامه انگلیسی زبان "داون" چاپ کراچی - مورخ ۱۷ ژوئن - یک پناهجوی ایرانی در اعتراض به خودداری دفتر امور پناهندگان سازمان ملل از صدور کارت پناهنده‌گی برای وی، بالابان دوخته در مقابل ساختمان این دفتر در کراچی دست به اعتصاب غذا زده است. بنا به همین گزارش "او یکی از چندین ایرانی ای است که صحت گرفتن کارت پناهنده‌گی در مقابل کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، هرروزه در حال تحصن هستند." اکنون حدود ۵ ماه است که تعدادی از هموطنان مهاجر ما که در میانشان چند زن و کودک نیز دیده می‌شوند، بخاطر گرفتن کارت پناهنده‌گی و در اعتراض به امتناع دفتر امور پناهندگان از صدور کارت پناهنده‌گی در برابر آن تحصن کرده و متناوبا اقدام به اعتصاب غذا می‌کنند.

در شماره ۳۶ "بولتن" کانون پناهندگان ایرانی - کراچی نیز خبری مبنی بر اعتصاب غذای یک پناهنده ایرانی در زندان درج شده است. بخشی از متن خبر چنین است: "یکی از پناهندگان ایرانی که حدود ۵ ماه است در زندان مرکزی کراچی بسر می‌برد، از روز چهارشنبه ۱۵ ژوئن دست به اعتصاب غذا زده است. پناهنده مزبور در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷ هنگامیکه از کویته عازم کراچی بود با وجود در دست داشتن برگه هشت هفتگی صادره از دفتر UNHCR کویته، توسط پاسگاه "مچکو" واقع در ۱۵ کیلومتری کراچی دستگیر شد و از آن زمان تا کنون در زندان مرکزی کراچی، و در بدترین شرایط زیستی بسر می‌برد. با وجود اینکه این شخص توسط دفتر UNHCR در کراچی، در زندان مصاحبه و بعنوان پناهنده رسمی شناخته شده است تاکنون مسئولین دفتر این سازمان در کراچی اقدام جدی در جهت آزادی وی به عمل نیاورده‌اند."

بمناسبت ۲۳ ژوئن، روز جهانی پناهنده و به دعوت پناهندگان ایرانی - کراچی جمعی از مهاجرین ایرانی در کراچی - با برگزاری تظاهراتی در مقابل دفتر سازمان ملل بار دیگر بر ضرورت اتحاد و یکپارچگی پناهندگان در مبارزه برای دستیابی به آماج‌های خود پای فشرده تظاهرات کنندگان با صدور یک قطعنامه ۱۰ ماده‌ای به طرح نکات زیر پرداختند:

۱- از آنجائیکه عامل اصلی آوارگی ما ایرانیان، رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد، تا سرنگونی این رژیم ضد بشری به مبارزات خود ادامه می‌دهیم.

۲- ما خواهان قطع فوری و بی‌درنگ

جنگ بی فرجام ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل می‌باشیم.

۳- ما خواهان تامین امنیت کلیه پناهجویان و پناهندگان ایرانی در کراچی می‌باشیم.

۴- ما خواهان پذیرش پناهنده‌گی سر بازان گریخته از جبهه‌های جنگ و نیستی خمینی از جانب UNHCR می‌باشیم.

۵- ما استفاده از امکانات خدماتی - درمانی UNHCR را حق طبیعی پناهجویان می‌دانیم.

۶- ما خواهان لغو فرم "۳" ابدایی UNHCR کراچی هستیم. (این فرم اجازه اقامت بدون حق برخورداری از هزینه امرار معاش

است اکثریت)

۷- ما خواهان رسیدگی سریع و مسئولانه دفتر UNHCR کراچی به وضعیت متحصنین در مقابل دفتر نمایندگی کمیسون حقوق بشر سازمان ملل می‌باشیم. ما سیاست سکوت UNHCR در این رابطه را محکوم می‌کنیم.

۸- ما قطع مزایا و لغو مهاجرت تعداد زیادی از هموطنان بلوچان را قویا محکوم می‌کنیم.

۹- ما خواهان تسریع روند مهاجرت پناهندگان می‌باشیم.

۱۰- ما خواهان انعکاس وضعیت پناهجویان و پناهندگان ایرانی متیم پاکستان از طرف UNHCR کراچی در سطح جهان هستیم."



صحنه‌ای از تظاهرات روز جهانی پناهنده در کراچی

تظاهرات ایرانیان برای احقاق حق پناهنده‌گی

WDR نیز خبر این حرکت اعتراضی را که بصورت تظاهرات ایستاده انجام پذیرفت، همراه با نمایش نیلومی از شرکت کنندگان در آن بازتاب داد.

در شش ماهه گذشته به علت سیاست ضد پناهنده‌گی دولت محافظه‌کار آلمان فدرال و بویژه "سیمرمن" وزیر کشور آلمان تقاضای پناهنده‌گی حدود ۷۰ درصد از پناهندگان رده شده است.

دورتموند شرکت داشتند. خبر این اقدام اعتراضی که نمونه موفقیتی از حرکت‌های اعتراضی مشترک پناهندگان بود در روزنامه‌های آلمانی زبان WAZ و RN همراه با عکس درج گردید. همچنین گزارش گفتگوی یکی از اعضا مرکز ایرانیان دورتموند با مسئول اداره فوق‌الذکر به مدت ۲۰ دقیقه از رادیو دورتموند پخش گردید. برنامه سوم تلویزیون

روز ۲۰ خرداد (دهم ژوئن) حدود ۲۵۰ نفر از متقاضیان پناهنده‌گی با اقدام به یک حرکت اعتراضی در برابر اداره اقامت و رسیدگی به امور پناهنده‌گی شعبه شهر دورتموند (آلمان فدرال) خواهان رسیدگی به خواستهای خود شدند.

در این حرکت اعتراضی اعضای انجمن‌های پناهنده‌گی ایرانیان در شهرهای بوخوم، اسن، ماگن و

گزارش مراسم بزرگداشت خاطره قهرمان مردم انوشیروان لطفی

رابطه البته نیروهای بین‌المللی و هر انسان که این خبر باشند باید این خواسته را جواب بدهد. ما معتقدیم که چنددستگی در بین نیروهای اپوزیسیون رژیم حاکم در ایران باعث ادامه حیات این رژیم می‌شود. تمام نیروهای اپوزیسیون هم از اسلامی یا مارکسیست بایستی متحد شوند تا یک سیستم دمکراتیک در ایران روی کار بیاورند. می‌خواهم تاکید بکنم که اتحاد همیشه با خودش چندگانگی می‌آورد و چندگانگی یعنی دمکراسی. و دمکراسی خلاصه‌ترین جواب به این چندگانگی است.

آقای جان پلاتز میلز - عضو سابق پارلمان انگلستان - سوسیالیست مبارزی که از معادن ذغال سنگ انگلستان تا پارلمان را برای دفاع از حقوق دمکراتیک مردم پیموده بود. با بلندای سرفراز مبارزه آزادیخواهان، چون درختی که سنسال با سخنان شورانگیزش شکوفه بارانمان کرد. در مراسم ما، پس از اشاره به منافع فارتگرانه آمریکا و انگلستان در خاور میانه و خلیج فارس و محکوم کردن سیاست ریگان و مادام تاجر (که او را دوست خمینی نامید) و محکوم کردن جنگ ایران و عراق، به تجلیل از رفیق انوش پرداخت و چنین گفت:

«یک شاعر رومی به زبان لاتین می‌گوید: هر آنچه به انسان مربوط است با من بیگانه نیست. شاید این شاعر در مورد خودش اقرار کرده باشد. اما این شعر در مورد انوش صادق است. او مرا بیاد پرومته

سازمان* آزادیبخش فلسطین (P.L.O) سازمان ملی خلق فلسطین - دستانی که دستمای یاران ما در سنگرهای خلق فلسطین به‌مهربانی فشرده - نماینده‌اش مصطفی شیفات عضو رهبری الفتح را به مراسم ما فرستاد. او طی سخنان پر شورش رزم مشترک خلقهای ما را بازگو کرد. از جنایات صهیونیست‌ها سخن گفت. بایاد انوش قهرمانی را تجلیل کرد.

کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا (GIL) که همواره از مبارزات مردم ایران و مبارزات سازمان ما دفاع کرده است. نماینده رهبری اش خانم (Naa Corossacz) را برای ابراز همبستگی با مبارزه خلقمان و احترام به رفیق انوش به مراسم بزرگداشت فرستاد. او چنین سخن گفت: «در این همبستگی بین‌المللی با مبارزات سازمان فدائیان خلق (اکثریت) می‌خواهیم بگویم که نه فقط بخاطر مواضع دمکراتیک سازمان فدائیان خلق (اکثریت) درباره صلح و آزادی و حقوق بشر در ایران بلکه بخاطر مضمون فاحشی که این تظاهرات بر پایه آن برنامه‌ریزی شده است با شما قصد سخن دارم. حالا پس از اهدام انوشیروان لطفی از سازمان فدائیان و دونفر از اعضا اپوزیسیون، از مجاهدین و اتحادیه کمونیست‌های ایران باید توپا امیدوار بود، این حامل تمام نیروهای اپوزیسیون مترقی ایران را گرد هم بیاورد. در این

سخت مبارزه انوش در زندان شاه، از روزهای پرحادثه ساز ابدی زیر ضرب تعقیب و تور ساواک خمینی سخن گفت. و یاد کرد که انوش همواره مظهر انسانیت، رشد فرهنگی، فداکاری، ایمان و قهرمان بود. بر ضرورت اتحاد نیروهای جنبش کمونیستی تاکید کرد. او پس از اشاره به موقعیت بسیار بحرانی ایران و رژیم خمینی و پس از اشاره به پراکندگی و تفرقه موجود در جنبش ضرورت عمل و اقدام مشترک احزاب و سازمانهای مترقی را یادآوری کرد.

رفیق گزارشی از ایران را قرائت کرد که رفقایمان در ایران تنظیم کرده بودند. این گزارش لحظات ابلاغ حکم اعدام به رفیق انوش در بند همومی اوین، آخرین سخنان رفیق در جمع رفقای در بند تا روی آوری نمایندگان از سوی کارگران با پرچم سه رنگ که در وسطش با ستاره سرخی آذین شده بود به خانه مادر انوش، را شامل می‌شد. «خانه انوش همچنان گلابران است. حداقل ۲ هزار نفر در این مدت از مادر انوش دیدن کردند...»

سپس نماینده‌های از جانب رهبری حزب کمونیست آلمان، حزب قهرمانانی چون ارنتس تلمان، که خاطره پر شکوفه مارکس انگلس، لوگزامبورگ و لیبکنشت را به‌مراه داشت، پشت تریبون قرار گرفت. سخنران از جانب حزب کمونیست آلمان با ستایش از پایمردی انوش حمایت از رزم سازمان ما و نبرد مردم‌محلیه رژیم خمینی را اعلام داشت.

در دوازدهم تیر در شعر بن آلمان فدرال قریب هزار نفر با همبستگی بین‌المللی گرد هم آمدیم تا یاد انوش قهرمان و همه شهدای خلق را گرامی بداریم. نامه‌ها و پیامهای احزاب و سازمانهایی که جمعا ده‌ها میلیون کارگر و مردم آزادیخواه جهان را نمایندگی می‌کنند پشت سر داشتیم. در دفاع از جان رفیق لطفی و سپس اعتراض به اعدام او جهان بیدار، جهان ترقی‌خواه ندای اعتراض خویش را بلند کرد. پرونده دفاع از جان رفیق لطفی شامل ۶ جلد برابر با ۱۵۰۰ صفحه سند را در آستانه نشستمان در پیش رو داشتیم.

پس از قرائت زندگینامه رفیق لطفی، نماینده کمیته مرکزی سازمان در اروپا و چهار سخنران همچنان از حزب کمونیست آلمان، سازمان آزادیبخش فلسطین، کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا (CGIL) و نماینده برجسته ترین سازمان حقوقدانان بریتانیا (کوینز کانسلی) و رئیس کانون وکلای مترقی بریتانیا جلسه را با سخنان شورانگیز خود به پیش بردند.

اینک چکامه‌ای از سخنان آنتب را با شما در میان می‌گذاریم. رفیق مهدی فتاپور عضو هیات سیاسی و نماینده کمیته مرکزی سازمان در اروپا، در میان ابراز احساسات بی‌شائبه حضار بر سکوی خطابه قرار گرفت. با شعر «گر مرد رهی میان خون باید رفت - وز پای فتاده سرتگون باید رفت» سخنش را آغاز کرد. از روزهای



در بزرگداشت خاطره انوشیروان لطفی

سوئد

از ساعت ۸ صبح روز ۱۷ ژوئن تا ساعت ۶ بعد از ظهر ۱۹ ژوئن گروهی از فدائیان خلق و ایرانیان آزاده و ترقیخواه که تعدادشان به ۱۱ نفر می‌رسید با برپایی یک اهتصاب فذا در شهر مالمو (سوئد) به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران برخاستند و خشم و انزجار خود را نسبت به اعدام فدایی دلاور انوشیروان لطفی اعلام داشتند. خبر این اهتصاب در رسانه‌های گروهی سوئد انعکاس قابل توجهی یافت. روزنامه پرتیراژ "ARBETET" ارگان حزب سوسیال دمکرات‌های سوئد، رادیوی محلی این حزب، هفته نامه PROLETAREN ارگان حزب مارکسیست لنینیست انقلابی سوئد و چهار روزنامه پرتیراژ دیگر با انتشار خبر اهتصاب فذا و انگیزه انقلابی اهتصابیون در برپایی آن و همچنین بیان گوشه‌هایی از زندگی رفیق لطفی شهروندان سوئدی را در جریان آن قرار دادند. اعلام همبستگی حدود یازده حزب و سازمان سیاسی از این اهتصاب جلوه درخشانی از حمایت بشریت ترقیخواه از زندانیان سیاسی ایران را به نمایش نهاد.

حضور یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد و اعلام همبستگی وی با اهتصابیون، حضور نماینده حزب کمونیست‌های چپ سوئد و نمایندگان سایر نیروهای انقلابی و دمکرات در محل اهتصاب فذا موجب از احساسات انسانی و انقلابی را در میان اهتصابگران و حاضرین برانگیخت. در برپایی این اهتصاب یاری بی‌دریغ رفقای توده‌ای مددکار فدائیان خلق بوده است.

کانادا

مراسم بزرگداشت خاطره فرزند به خون خفته خلق انوشیروان لطفی روز شنبه با حضور هدای از ایرانیان آزادیخواه و چند میهمان خارجی در شهر تورنتو برگزار شد. برنامه مراسم با یک دقیقه سکوت به احترام انوش و همه

می‌اندازد که زئوس خدای خدایان او را بر صخره‌ای به زنجیر کشید و قرن‌ها شکنجه کرد. روزها عقاب زئوس او را می‌خوردند و شب‌ها مرمتش می‌کردند تا فردا روز، قهرمانی انوش و مرگش را بیادین داستان انداخت.

رفیق فتاپور گفته که شهادت انوش به ما پیام مبارزه و استقامت داد من به آن می‌افزایم، ما در انگلستان این پیام را دریافت کردیم که رژیم ایران به ضعف و ترس افتاد و ما قدرت گرفتیم. من نمی‌دانم واژه انوش دقیقاً چه معنایی می‌دهد. می‌گویند یعنی زندگی جاودان، من به زندگی جاودان عقیده ندارم. اما از انوش اینطور می‌فهمم که بخاطر شخصیتش و عشقش به مردم در میان مردم ادامه می‌یابد، مانند گل که خودش می‌میرد اما از بیابانش جاودان است. انوش زیبایی گل است که جاودان می‌ماند. (در اینجا ابراز احساسات پر شور حضار سخنان آقای میلز را قطع کرد) او سپس افزود: فدا کردن یعنی جان باختن و فدائیان یعنی کسانی که جان برای عقیده‌شان می‌بازند. پس بیائیم آنقدر جان نداد کنیم تا صلح در ایران برقرار شود.

او در میان ابراز احساسات حضار که به احترامش ایستاده بودند از سکوی خطابه پائین آمد. در پایان، گروه کر با سرود شورانگیزی کار را به پایان برد.

و هنگامه رفتن، انوش بر دوش ماستاره سرخی را که بر سینه داشت نهاد بود، و به گنجینه دل‌مان سپرد خاطره‌اش را با چهره آنتابی و گل‌خنده‌ئی چون فروغ زندگی، تابان.

در مراسم بزرگداشت لطفی همبستگی شورانگیز بین‌المللی انعکاس داشت. پیام‌های بسیاری از احزاب، سازمانها، سندیکاها و شخصیت‌هایی از کشورهای مختلف جهان دریافت گردید. در میان برنامه‌ها، همبستگی سازمان ما با مبارزات خلق آفریقای جنوبی برای آزادی ماندلا و زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی و دفاع عاجل از جان انقلابیون شارپویل اعلام گردید.

همچنین پس از حمایت از اقدام قهرمانانه حیدر کوتلو و نیجات سارگین رهبران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه، خواست سازمان ما مبنی بر آزادی فوری آنها و سایر زندانیان سیاسی ترکیه مطرح گردید.

میادین مرکزی شهر گرد آمدند و سپس به سوی سفارت جمهوری اسلامی راهپیمائی کردند. راهپیمایان با دادن شعارهای کوبنده و افشاگرانه جنایات رژیم را به آگاهی مردم کینهاک رساندند. آنان در برابر سفارت قطعنامه تظاهرات را قرائت کردند. مراسم با فریو شعار مرگ بر خمینی پایان یافت.

در عصر همین روز مراسم دیگری در یکی از سالن‌های مرکزی این شهر برپا شد. در این مراسم با خواندن شرح زندگی و بیان خاطراتی از دوران اسارت رفیق انوشیروان لطفی در زندان شاه، از رزمندگی و استواری وی ستایش گردید. در این مراسم احزاب و سازمانهای متعددی با ارسال پیام همبستگی خود را با رژیم مردم ایران ابراز داشتند. خبر این مراسم در روزنامه لندن فالک بازتاب یافت.

در کینهاک هم چنین صدها تن از اهالی این شهر متنی را در ابراز انزجار نسبت به اعدام فدائی دلیر انوشیروان لطفی امضا کردند که به سفارت جمهوری اسلامی فرستاده شد.

شمیدان رژیم انقلابی مردم ایران آغاز شد. سپس اعلامیه کمیته مرکزی سازمان بناسبت شهادت لطفی و دو مبارز دیگر قرائت شد.

سخنرانان این مراسم خانم و آقای هانسون - دو تن از فعالین هغو بین‌الملل - بودند. خانم هانسون در سخنرانی خود ضمن اظهار تاسف از این واقعه، اعدام‌های اخیر را "مصیبتی" برای کشورمان دانست و گفت: "تا زمانی که یک فرد محروم از آزادی در جهان زندگی کند، ما جهان آزادی نخواهیم داشت."

این مراسم با دکلمه چند شعر، نمایش اسلاید و فیلم ویدئویی "شکنجه" - از تولیدات سازمان هغو بین‌الملل - و همچنین قرائت مقاله‌ای درباره زندانیان سیاسی و زندگی رفیق لطفی پایان یافت.

دانمارک

در روز ۲۱ ژوئن به دعوت فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کینهاک پایتخت دانمارک قریب صد تن در اعتراض تیرباران انوشیروان لطفی در یکی از

جهانیان اعدام رفیق انوشیروان لطفی را محکوم می‌کنند

حزب مرکزی یونان

تلاش برای نجات جان زندانیان سیاسی

به سفارت جمهوری اسلامی ایران و روزنامه‌ها حکومت خمینی در تاریخ ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ ژوئن در تاریخ ذکر شده انوشیروان لطفی سبیل مقاومت جنبش مردم ایران علیه رژیم‌های مستبد شاه و خمینی را اعدام کرد. ... تمام انسان‌های آزاده جهان وظیفه دارند برای نجات جان زندانیان سیاسی در اسارت رژیم خمینی و خطری که متوجه جان آنهاست، تمامی تلاش خود را بکار گیرند.

دیپراول مانویس گلزوس
۱۷، ۶، ۸۸

حزب چپ یونان

همبستگی در مبارزه علیه حکومت خمینی

از بخش بین‌المللی کمیته مرکزی حزب چپ یونان به سفیر جمهوری اسلامی ایران - آتن
حزب چپ یونان همراه با همه افکار عمومی کشورمان اعتراض شدید خود علیه جنایت رژیم را اعلام و اعدام انوشیروان لطفی عضو رهبری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کند.

حزب چپ یونان همبستگی خود را با مبارزه تمام سازمان‌ها و نیروها علیه حکومت قرون وسطایی و تئوکراتیک تهران اعلام می‌کند. ...

بخش بین‌المللی کمیته مرکزی حزب چپ یونان

بقیه در صفحه بعد

جهانیان اعدام رفیق انوشیروان لطفی را محکوم می کنند

بقیه از صفحه قبل

نامه کمیته همبستگی دمکراتیک بین المللی یونان

به سفارت جمهوری اسلامی ایران آتن

کمیته همبستگی دمکراتیک بین المللی یونان به اعدام انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ... شدیداً اعتراض می کند و نگرانی عمیق خود را در رابطه با خطری که زندگی رفقای او را تهدید می کند، ابراز می دارد. ما خواهان متوقف شدن اعدام ها و شکنجه ها هستیم.

زندانیان سیاسی را آزاد کنید، آنها برای متوقف شدن جنگ برای بهر سمیت شناختن حقوق بشر در ایران و بخاطر آزادیهای انسانی پیکار می کنند.

دبیر کل نیکوس فوتیادیس
آتن - ۱۶ / ۶ / ۸۸

اعتراضیه کمیته یونانی برای صلح و خلع سلاح بین المللی

سفارت جمهوری اسلامی ایران ۳ / ۷ / ۸۸

آقایان عزیز

با اعتقاد به اینکه مبارزه برای صلح با احترام به حقوق انسانی و دمکراسی خلق ها ارتباط جدایی ناپذیر دارد، به اعدام مبارز راه دمکراسی ایران انوشیروان لطفی که مبارزات او در راه سرنگونی رژیم استبدادی شاه شناخته شده است، شدیداً اعتراض می کنیم. و اعتقاد داریم که اعدام انوشیروان لطفی و دیگر مبارزان راه دمکراسی ... به حقوق انسانی شناخته شده توسط سازمان ملل متحد تجاوز شده است.

از شما می خواهیم که اعتراض ما را به دولت متبوع خویش گزارش کنید.

دبیر کل پانوس توپیاظی

زندانیان سیاسی را آزاد کنید

اتحادیه سراسری دبیران و استادان آموزش متوسطه یونان، اتحادیه سراسری حسابداران (شورای مرکزی)، اتحادیه کارکنان ساختمانی، اتحادیه کارمندان بانک یونان و صنف بناها هر یک طی اعتراضیه های جداگانه ای اعدام جنایتکارانه قهرمان خلق انوشیروان لطفی را محکوم کردند و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی شدند.

در بخشی از اعتراضیه اتحادیه کارکنان ساختمانی آمده است: "ما بربریت رژیم ایران در اعدام فرزندان دلیر خلق ایران همچون انوشیروان لطفی و دیگر رزمندگان راه آزادی را محکوم می کنیم. ... و بخاطر رعایت حقوق دمکراتیک سیاسی خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم." اتحادیه سراسری دبیران و استادان آموزش متوسطه یونان نیز در اعتراضیه خود نوشته است: "اعدام ها، شکنجه ها و آزار و اذیت هایی که حکومت ضد مردمی خمینی برای مقابله با نیروهای مترقی و مردم اعمال می کند، به هیچ وجه نخواهد توانست سد راه مبارزه مردم ایران برای صلح و آزادی شوند."

جنبش دمکرات مسیحی یونان هم در تاریخ (۳۰ ژوئن) در یک نامه اعتراضیه به سفارت جمهوری اسلامی نوشته است که "ما این سیاست که تمامی حقوق انسانی را زیر پا می گذارد و آخرین نمونه آن جنایت هولناک شما (رژیم خمینی) علیه انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ... بود، محکوم می کنیم."

نامه کمیته رهبری حزب کمونیست هلند

دبیر اول کمیته رهبری حزب کمونیست هلند در نامه ای به وزارت امور خارجه هلند نوشته است:

"با نهایت تأسف و تأثر از خبر اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی ایران در ۲۷ ماه مه سال جاری مطلع شدیم. انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله اعدام شدگان است. برای نجات جان او سازمان های مختلف سیاسی و اجتماعی تلاش بسیاری کردند ... از شما درخواست می کنیم با اعتراض دولت ایران، راتحت فشار قرار دهید.

به شکنجه و اعدام پایان دهید

حزب کشاورزان یونان با اندوه فراوان از خبر اعدام انوشیروان لطفی توسط رژیم ایران مطلع شد. بنام صلح، بنام دمکراسی و حقوق انسانی از دولت ایران می خواهیم به شکنجه و اعدام نیروهای اپوزیسیون ایران پایان دهند.

اعدامها را متوقف کنید

حزب کمونیست های هلند در شماره ۳۱ ژوئن ارگان خود "مانیفست" ضمن درج خبر تظاهرات ایستاده فدائیان خلق در برابر ساختمان وزارت امور خارجه هلند در لاهه نوشت: روز جمعه ۲۷ ماه مه امسال چند تن از زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم بربرمنش خمینی اعدام شدند. یکی از آنان انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود. او بیش از پنج سال در زندان رژیم و تحت شکنجه های وحشتناک قرار داشت.

"مانیفست" همچنین نسبت به خطر اعدام های بعدی هشدار داده و نوشته است: "رژیم هرگز پیشاپیش اعلام نمی کند که اعدام های تدارک شده کی عملی خواهد شد."

نامه اعتراضیه کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک به سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاگ

به سفارت جمهوری اسلامی در دانمارک

حزب کمونیست دانمارک به این وسیله اعتراض شدید خود را نسبت به شکنجه و کشتار بربر منشانه انسان هایی که به خاطر صلح، دمکراسی و حقوق بشر مبارزه می کنند، توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران، اعلام می کند. آخرین نشانه ی این حرکات اعدام فدایی خلق، انوشیروان لطفی است که انزجار ما را شدت می بخشد.

انوشیروان لطفی بعد از تحمل ۵ سال شکنجه در شرایطی به جوخی اعدام سپرده شد که در سلول انفرادی و تحت شکنجه و در شرایط بیماری بسر می برد.

ما تمام بشریت ترقی خواه را به محکوم کردن اعدام لطفی و هرگونه شکنجه و اعدام در ایران دعوت می کنیم.

ما خواهان قطع شکنجه و اعدام، و آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک
دبیر کل اوله سون

بیانیه مطبوعاتی حزب سوسیالیست انقلابی هندوستان رفیق انوشیروان لطفی مبارز سرشناس راه صلح، دمکراسی و حقوق بشر، شخصیت برجسته، با سابقه و سرشناس ایران در راه سعادت و بهر زوی مردم در روز جمعه ۲۷ ماه مه ۱۹۸۸، پس از ۵ سال اسارت در سلولهای انفرادی و تحمل شکنجه های وحشیانه و قرون وسطایی و ابتلا به انواع بیماریها از جمله سل، اعدام گردید. رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود.

این جنایت هولناک نمایانگر دور جدیدی از تعرض به حقوق انسانی و تشدید سرکوب و استبداد رژیم ولایت فقیه است که اینک چنانچه پاک بسیاری از مبارزان در بندها از جمله رفیق صمد اسلامی و چندتن دیگر از اعضا و مشاوران کمیته مرکزی فدائیان اکثریت را تهدید می کنند.

حزب سوسیالیست انقلابی شدیداً این جنایت ددمنشانه و ضد بشری را محکوم می نماید و مراتب تأسف عمیق خود را به یاد این رفیق که سنت باشکوه فدائیان را زنده نگه داشت اعلام می دارد. حزب سوسیالیست انقلابی از رژیم اسلامی می خواهد که فوراً اعدام تمام زندانیان سیاسی را متوقف نماید و افکار

همو می جهان را فرامی خواند که با فشار به رژیم ایران این رژیم را مجبور به آزادی تمام زندانیان سیاسی نمایند.

پر توتل چودری

دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی



جلادان به خود لرزیدند و فرو افتادند
برهنه این بهاران
با گلگله مرگ
آخرین نشان هاشان بر پیراهن هاشان نشست
در حالی که جنبش مردمی آزاد، چون باد
چمنزار را به جنبش در آورد
و موجی بر آبراه‌های جزیره لغزاند
و بر فراز دریا به پیش آمد، چون سیاره‌ای.

پابلونرودا

در هشتاد و چهارمین زاد روز این شاعر
بزرگ جهان، شعری را درج می‌کنیم که وی در
ستایش رزمندگان سیرامایستراسرود، این شعر
که از مجموعه سرود اعتراض (تهران انتشارات
دماوند - ۱۳۶۲) برگرفته شده، توسط فرامرز
سلیمانی و احمد کریمی حکاک به فارسی
برگردانده شده است.

شیلی گرامیداشت دوازدهم ژوئیه (۲۱
تیرماه) - هشتاد و چهارمین زادروز پابلونرودا -
را به جشنواره علیه پینوشه بدل کرد. نروداکه در
سپتامبر ۱۹۷۳ - تنها دوازده روز پس از کودتای
خونین ژنرالها - درگذشت، پس از ۱۵ سال
همچنان در دل مردم شیلی، هنرمندان و
نردوستان سراسر جهان و همه رهپویان
سعادت انسانها جای دارد.

سپهر

و بدینسان آزادی کوبا زاده شد
از آن مثنی مرد بر ماسه‌ها
آنگاه عظمت مردان عریان
بر آنان لباس کوهی پوشانید
به نانی بی نام قوتشان داد
سلاحیشان داد از باروت نهران
و خوابزدگان با آنان بیدار شدند
خطاهای چرکین از گور برخاست
مادران کودکانشان را گسیل داشتند
دهقان از غمی گفت
و سپاه ناب تهیدستان
باید و بالید، چون ماه تمام
این سپاه سربازی را در نبرد از دست نداد
کشترار نیشکر آبادان شد در توفان
دشمن سلاحش را
در جاده‌ها رها کرد

اگر زرفای دریا دردهایش را خاموش می کرد
زمین امیدهایی را برمی انگیخت
که تا ساحل می رفت:
دست‌ها و مشت‌ها بود که به مبارزه برمی خاست
فیدل کاسترو با پانزده مرد
و آزادی، ماسه‌ها را لمس کرد
جزیره تیره بود، همچون سوک
اما آنان بیرقی از نور برافراشتند
آنان سلاحی جز پیکان نداشتند
و جزیره همچنان در زیر خاک خفته بود
آنگاه در سکوت آغاز کردند
مبارزه را و کوره راهی به سوی ستارگان را
خروشان و خسته گام برداشتند
به سوی نبرد برای افتخار و وظیفه
آنان سلاحی جز خونشان نداشتند
عریان چون لحظه زادن

کمک‌های مالی رسیده

۵۰۰۰ لیر	پویا از ترکیه	حاصل تلاش مشترک دوستان و هواداران سازمان در هلند
۲۵۰ کرون	قدرت‌الله از اسلوانی	به واحدهای فدائی داخل کشور
۳۳۵ دلار	از برکلی آمریکا	نیلوفر از هلند
۴۰ دلار	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از لس‌آنجلس آمریکا	کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از هلند
۴۰ دلار	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی سید از آمریکا	به یادر فیک محمودزکی پور از سوئد
یک عدد ساعت	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از لس‌آنجلس آمریکا	از لنین شوپینگ سوئد
۱۰۰۰ کرون	سورن از کپنهاگ دانمارک	از لنین شوپینگ سوئد
۴۰ کرون	احداز آلمان دانمارک	از لنین شوپینگ سوئد
۶۵ کرون	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی هامون و دامون از دانمارک	کمک به زندانیان سیاسی از گوتنبرگ سوئد
۱۶۰ کرون	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از دانمارک	کمک به زندانیان سیاسی از گوتنبرگ سوئد
۵۰۰ کرون	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از گوتنبرگ سوئد	صلح (۲) از نور شوپینگ سوئد
		م.س.پ از نور شوپینگ سوئد
		دوستداران فدائیان خلق (اکثریت) از کالمار سوئد
		کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		به یاد انوش
		به یاد انوش
۴۰۰۰۰ لیر	به یادر فیک انوش و دیگر شهیدان برای کمک به مبارزه داخل کشور آریو از ایتالیا	۱۵۰ در اخم
		۳۵ روپیه

نقش احزاب کمونیست در اروپای غربی

بحثی میان دو نظریه پرداز کمونیست آلمانی

گئورگ قولبرت: من در مقاله ام در ماهنامه "اوراق مارکسیستی" نوشتم که آنچه امروز شاهد آنیم، یعنی کاهش نقش احزاب کمونیست در غرب، پدیده تازه ای نیست. احزاب کمونیست پیوسته دگرگونی هایی را از سر گذرانده اند. ما بارها شاهد آن بوده ایم که احزاب کارگری تبدیل به احزابی توده ای شده اند و آنگاه خصلت کمونیستی خود را از دست داده اند، بطوریکه نقش کمونیستها در این حزب تا حد یک فراکسیون کوچک درون حزب کاهش یافته است. اگر این نقش اقلیت پذیرفته و بدرستی ایفا شود، این موقعیت می تواند به لحاظ سیاسی موثر هم باشد. نمونه خوبی برای این امر نقش گروه اسپارتاکوس هنگام جنگ جهانی اول است. این گروه، جناحی بسیار کوچک و بسیار منفرد در یک حزب توده ای سوسیال دمکرات بود، حزبی که امپریالیسم آن را به انحراف کشانده بود. پس دگرگونی احزاب کمونیست، چیز تازه ای نیست. بنابراین وقتی من می گویم اینک باز زمان کوچک شدن حزب ما فرار سیده است، این حکم نه به معنای پایان همز جنبش کمونیستی است و نه به این معنی که دیگر مرکز حزب، توده ای نخواهد شد. من از افول موقتی و ظاهری سخن می گویم؛ پایان یک دوره هیچگاه به معنای افول قطعی نیست. تنها وقتی پایان این دوره را دریابیم، امکان آفازی نو وجود دارد. آنچه من در این رابطه بسیار از آن آکراه دارم، کاملاً بر وفق مراد جلوه دادن تضایست. یک نمونه بسیار ساده لوحانه از چنین برخوردی، این ادعاست که دگرگونی کنونی در اتحاد شوروی به داد احزاب کمونیست در غرب خواهد رسید. من به چنین چیزی اصلاً اعتقاد ندارم. برای ما اینکه بطور هیئتی در اتحاد شوروی چه می گذرد، تعیین کننده نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، این است که آیا چپ به اندازه کافی نیرومندست که بتواند این تحولات را در جای درست خود بنشانند؟ من گمان نمی کنم.

حال چند کلمه درباره قرارداد آی.ان.اف (سلاحهای میان برد هسته ای)؛ من ادعای کنم که آنچه در واشنگتن و مسکو گذشت، دارای بسیاری از مشخصات آن چیزی است که لنین آن را تحصیل یک صلح امپریالیستی می نامید. لنین هیچگاه بر این نظر نبود که امپریالیسم نمی تواند صلح کند. برای مارکسیستها ثابت شده است که امپریالیسم توان صلح کردن را دارد. لنین میان صلح خلتقا - صلح دمکراتیک - و صلح امپریالیستی تفاوت قائل بود. جنگ جهانی اول با دو صلح امپریالیستی پایان یافت: صلح ورسای و صلح برست - لیتووسک. صلح برقرار شد و سلاحها خاموش شدند، اما این صلح با شرایط امپریالیسم تحصیل شد. ادعای من این است که قرارداد آی.ان.اف و مجموعه شرایط بین المللی همراه آن دارای مشخصات ویژه صلح امپریالیستی است. این بدین معنی نیست که من از اتحاد شوروی بخاطر تن دادن به این صلح انتقاد می کنم. خصلت صلح به تناسب قوا بستگی دارد، و تناسب قوا طوری است که این صلح جدید دارای همه مشخصات یک "صلح آمریکایی" است. در چنین شرایطی من نمی توانم تصور کنم که احزاب کمونیست قادر باشند دقیقاً از همین

وضعیت برای تبدیل شدن دوباره به احزاب توده ای استفاده کنند. من شخصاً آرزو می کنم چنین نشود، زیرا اگر این روند طی شود، نقش تعیین کننده ای در انحطاط ایدئولوژیک احزاب کمونیست در غرب خواهد داشت. روندهای سیاسی داخلی در اتحاد شوروی - پرسترویکا و هلنیت - نیز به گمان من عواملی نیستند که ما بتوانیم از آن بسود خود بهره گیریم، زیرا ما بر اساس همبستگی ای که من آن را درست می دانم، یا از وضعیت قبلی دفاع و یا درباره آن سکوت کرده ایم. از این رو اگر ما اکنون هورا بکشیم و بگوئیم "پرسترویکا چه خوب است، هلنیت چه خوب است!"، یک فرد حتماً لازم نیست ضد کمونیست دو آتشه ای باشد که به ما بگوید: خوب دیگر، شما از هر توهش دفاع می کنید؛ اول برای برزنف هورا می کشیدید، حالا برای گارباچف. اینکه از این طریق چگونه می تواند همزونی ایدئولوژیک کمونیستها حاصل شود، برای من به هیچ وجه روشن نیست. بخصوص اگر یک ساختار همزونی امپریالیستی موجود باشد، می توان از هلنیت، شتاب بخشیدن و نوسازی برداشتی بسود این ساختار نیز ارائه کرد. مثلاً چنین می گویند: پرسترویکا به چه معنی است؟ پرسترویکا به معنای دمکراتیزه کردن است، همان چیزی که ما در غرب مدتهاست آن را داریم. و یا اینکه شتاب بخشیدن را کاربست ایده سرمایه دارانه افزایش بازده قلمداد می کنند. من اکنون درباره خود آن چیزی که در اتحاد شوروی در جریان است سخن نمی گویم، بلکه تنها این نظر را دارم که ما به مثابه حزب کمونیست نمی توانیم از آن بهره برداری کنیم. من این را خیلی مثبت می دانم، زیرا ما باید امکانات ویژه خود را مدنظر قرار دهیم، و باید یک بار برای همیشه دست از تلاش کبک و آبر برای آموختن طرز راه رفتن دیگران برداریم.

حزب انقلابی و اصلاحات

یوزف هلایفشتاین: بحث آغاز شده از سوی گئورگ در نشریه "اوراق مارکسیستی" از این ضرورت ریشه گرفته است که ما درباره موقعیت تاریخی کنونی خود باید به درک روشنی از موقعیت تاریخی خود برسیم. این، یک مسئله بین المللی است و تنها به حزب کمونیست آلمان (ح.ک.آ) مربوط نمی شود. به نظر من اینکه گئورگ در پایان سال گذشته در ماهنامه "اوراق مارکسیستی" ما را بر انگیزت تادرک خود را بر پایه واقع بینانه تری قرار دهیم، بسیار مهم بود. این خدمت همچنین از این رو بسیار مهم است که گئورگ به واقعیت هایی اشاره کرده است که بخصوص برای مسن ترهای ما دردناک است، نسلی که پس از یک دوره طولانی ۱۲ ساله از مبارزه مخفی، امیدهای زیادی به تشکیل یک حزب کمونیست نوین و قانونی در آلمان فدرال بسته بود. ما می خواستیم پس از مدتها

ممنوعیت، حزب کمونیست گسترده تری بسازیم. موقعیت بسیار متناقض بود. از یک سو اوضاع جاری در چکسلواکی که به ورود نیروهای پیمان ورشو در سال ۱۹۶۸ انجامید، مانع راه ما بود. از سوی دیگر، جنبش ترقیخواهانه بسیار گسترده و همیتی وجود داشت، از جمله جنبش سندیکاها در مبارزه علیه قوانین وضعیت فوق العاده، و مهمتر از همه جنبش دانشجویی که در میان روشنفکران جوان بسیار گسترده بود. طبیعی است که در آن موقعیت امیدهای زیادی به تشکیل دوباره حزب ما بسته شده بود. سپس یک روند درناک پرداختن به امیدها و توهمات، به این انجامید که ما مدتها از تحلیل واقعا هشیارانه و هاری از توهم جایگاه خود طفره رفتیم. من طرح بحث از سوی گئورگ را بدین گونه می بینم که او کوشیده است این وضع را تغییر دهد. بنابر این اختلافات ما نه در شناخت تحلیلی از وضعیت، بلکه بیشتر در این است که او به نظر من کوشیده است از موقعیت نابسامان ما در همین حال نوعی امتیاز بسازد. یعنی او از ضعف و افراد نسبی ما نتایجی می گیرد که ما را به کجراه می برد، کجراهی ای که در آن حزب کمونیست در موقعیت کنونی که فعلاً تبدیل آن به حزبی توده ای در تصور نمی گنجد، به اتخاذ مواضع انقلابی اکتفا می کند. از این رو استدلال اصلی من در برابر این تز او که "جوهر" ما در انقلابی بودن خلاصه می شود، این است که در دوره هایی که روشن است اهداف انقلابی را توده ها نه درک می کنند و نه همراه ما در راه آن می رزمند، ما باید بهترین "اصلاح طلبان" نیز باشیم. من می گویم: ما نباید منتظر زمان بهتری بمانیم، بلکه حتی اگر بدانیم یک حزب کوچکیم و فعلاً هم کوچک خواهیم ماند، نباید به افراد تن دهیم. در این رابطه، و نه تنها به لحاظ هدف انقلابی خود، باید در قیاس با دیگران اصلاح طلبان بهتری باشیم.

حال به نکاتی می پردازم که گئورگ در اینجا به آن اشاره کرد. فکر می کنم علیرغم همه این اختلافات کسی نسبت به ضرورت وجود حزب ما ابراز تردید نمی کند...

احزاب کمونیست

و تحول در اتحاد شوروی

آنچه به تحول در اتحاد شوروی و نتایج حاصل از آن برای ما مربوط می شود، به نظر من نباید به تاثیر آنچه در اتحاد شوروی می گذرد و دارای اهمیت تاریخی - جهانی است، در دراز مدت کم بها داد. البته نباید انتظار تاثیرات بلافاصله و سریع را داشت. اما من به این امر آتقدر که گئورگ نومیدانه می نگرد، برخورد نمی کنم. این یک عامل بسیار تعیین کننده است که کارگران تا حد زیادی بر اساس وضع اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی درباره

می شود. حال که امروز ادب را رعایت کرده ام، اسم یکی را حزب توقف و نام دیگری را حزب جنبش می گذارم. به نظر من هر دو تفکر مرتکب یک اشتباه می شوند: هر دو معتقدند با شیوه های خاص و مهینی، اکنون امکان این هست که حزب

تبدیل به حزب توده ای بشود، در حالیکه من بر این نظرم که امکانات ذهنی برای اینکه در آینده قابل پیش بینی، تبدیل به یک حزب توده ای بشویم، وجود ندارد.

حال به ارزیابی خود از بحث درون حزب می پردازم.

درباره حزب توقف: ما باید از همه تلاشها برای احیای اشکال بسیار مورد عشق و علاقه خود، دست بکشیم. در حال حاضر، از این جمله است کاندیداتوری مستقل در انتخابات فدرال و ایالتی، ارست تلمان قادر به این کار بود، اما این کار امروز دیگر از عهده ما خارج است. این کار، نیرو می گیرد و بحثها را به سمت خطا می برد. اینکه هر چهار سال یک بار بحثی درباره انتخابات در بین ما در می گیرد، مصبانی کننده است، و حاصل آن هم بسیار حقیر است.

از این گذشته، گمان نمی کنم که ما نیازی به یک نشریه روزانه داشته باشیم. انتشار نشریه روزانه ما، به لحاظ مصرف کاغذ و لطمه به جنگل ها، مضر است، و به لحاظ آیدئولوژیک، وجود آن سودی در بر ندارد. وجود روزنامه، باعث عدم تناسب در نیرو های حزب می شود. من نمی توانم از روزنامه حزب خود دفاع کنم، و کمتر کسانی را می شناسم که قادر به دفاع از آن باشند. حال که یوزف می گوید ما باید از توهمات دردناک خلاصی یابیم، من می گویم برخی تناسب های مربوط به دوره تشکیل ح. ک. آیزاز آن جمله است. ما در درون دستگاه حزب نیز به تجدید تناسب ها نیاز مندیم. من نمی گویم دستگاه حزب ما بیش از حد بزرگ است، اما در آن، تا آنجا که به محورهای مضمونی مربوط می شود، تناسب ما درست نیستند، زیرا روشن است دستگاه حزب را با این هدف ساخته ایم که آنچه را که مربوط به یک حزب توده ای است، انجام دهیم. این درباره حزب توقف.

حل شدن در جنبشها

درباره حزب جنبش هم می خواهم چند کلمه بگویم. آنچه باید از آن دست بکشیم، حل کردن خودمان در جنبشهاست که بویژه همراه با کم بها دادن به مبارزه طبقاتی صورت می گیرد. وقتی نشریه معتولی مانند "کنکرت" به ما انتقاد می کند که رفتار ما مثل یک حزب "اتمام بشری" است، یک جای کار ما هیب دارد. این انتقاد تا حدی درست است. رفقای حزب جنبش، حال که دریافته اند حزب تلمان را دیگر نمی توان احیا کرد، دچار انفرادیگری می شوند و می گویند: خیلی ساده است، خود را با تمام بشریت یکی می گیریم، آنوقت می شویم ۱۰۰ درصد. و آنگاه هر مسئله ای که بصورت مسئله نسل بشر بیان شود، مسئله ما نیز هست. این یک بیماری است که بطرز هجیبی در حال شیوع است. من در رابطه با این بحث، برخی نوشته های حاوی چنان خیالبافی هایی خوانده ام که اصلاً قادر به درک آن نیستم. یک نمونه، این ادعاست که گویا اگر موفق شویم بقیه در صفحه بعد

چه باید کرد و بویژه اینکه چگونه باید در لحظه مناسب مسئله قدرت را مطرح نمود. در بسیاری از موارد نیز می توان فراگرفت که چه نباید کرد و چه چیز مجاز نیست. این بطور مشخص بدین معنی است که ما باید روشن کنیم از آنچه آنجای می گذرد چه چیز را ما می توانیم به کار بندیم و چه چیز برای ما قابل کار بست نیست. ما این کار را باید به بسیاری دلایل انجام دهیم، از جمله برای آنکه مدام دچار عقب ماندگی نشویم. مادر مورد مسئله نیروگاه های اتمی به عقب ماندگی عملی و نظری دچار شدیم، زیرا می بایستی پیوسته به واقعیات در کشورهای سوسیالیستی برخورد می کردیم. ترس من از این است که در مورد مسئله تکنولوژی ژنتیکی نیز چنین شود. ما باید بتوانیم از آغاز بگوئیم که ممکن است به موضع کاملاً روشنی در قبال تکنولوژی ژنتیکی برسیم، موضعی که در صورت اتخاذ راه مورد انتقاد ما از سوی کشورهای سوسیالیستی، با پراتیک آنها تفاوت خواهد داشت.

آیا می توان از سوسیالیسم انتقاد کرد؟

یوزف شلایفشتاین: گئورگ، تو درباره رابطه ما با کشورهای سوسیالیستی سخن گفتی. طبیعی است در مناسبات ما با احزاب کمونیست در کشورهای سوسیالیستی و نیز در سایر مناطق جهان، مناسب تر از همه این است که احزاب، انتقاد متقابل، از جمله انتقاد علنی را نه تنها تحمل، که تشویق نیز بکنند. من لازم می دانم که همه در یابیم انتقاد از جانب دوستان، کمک بیشتری است تا سکوت از جانب دوستان. از این لحاظ من نیز با چنین رابطه نوینی موافقم. البته این کار در موقعیت تاریخی گذشته، بسیار دشوار بود، زیرا ما می بایستی واقعاً بدین می اندیشیدیم که چه چیز از لحاظ بین المللی برای جنبش کمونیستی سودمندتر است: اظهار نظر درباره برخی مسائل معین بدون اینکه خود احزاب برادر در مورد آن مسائل موضع بگیرند، یا نه.

می خواهم از دید خودم، موقعیت آن زمان را تشریح کنم: اساس رابطه ما با کشورهای سوسیالیستی را جهان بینی و اهداف مشترک ما تعیین می کند. از این رو ما همواره بر این نظر بوده ایم که با همسسه دشواریها و مسائلی که در این کشورها می دیدیم، ابراز همبستگی و وظیفه ماست. ما به آنها باور داشته ایم، از جمله در ارزیابی وضعیت خودشان. آیا ما آگاهانه از تضاد مستقل چشم پوشیدیم؟ به نظر من چنین نبود. اساس موضع ما این بود: ما آموزگاران احزاب کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورها نیستیم، آنها قادرند اشتباهات و کمبودهای خود را دریابند و بر آن غلبه کنند. به لحاظ اصولی من این موضع را با توجه به کارزار کین توزانه دائمی علیه کشورهای سوسیالیستی در آن موقعیت، درست می دانم. اینکه ما در جزئیات، خطاهای بسیاری مرتکب شدیم، انکارناپذیر است.

حزب توقف و حزب جنبش؟

گئورگ فولبرت: در رابطه با بحث درون حزب، باید بگویم که دو شیوه استدلال مشاهده

ما تفاوت کرده اند. ما جز آن که با کشورهای سوسیالیستی احساس همبستگی اصولی و تا حد معینی یگانگی بکنیم، راه دیگری نداشتیم. آنهایی که امروز جوانند و سیاسی و چپ می شوند، طبیعی است که از اتحاد شوروی شناختی کسب می کنند که با ده سال پیش یا قبل از آن، متفاوت است. من بر این اساس به تحولی سمگین و تندراسا امید نبسته ام. اما این روند، روندی است که به تسهیل کار یک پیشاهنگ آگاه کمک شایانی می کند. این روند، کار تئوریک و بویژه کار سیاسی ما را تسهیل خواهد کرد. از این رو پرسترویکا و هلنیت و ... - صرفنظر از تأثیرات تاریخی - جهانی خود، برای فعالیت آینده ما عوامل کم اهمیتی نیستند. و در رابطه با "صلح امپریالیستی"، ادعاهای گئورگ را به کلی نادرست می دانم. از لحاظ مدت تحلیل تاریخی نیز مقایسه او مطلقاً نابخاست. آیا می توان صلحی امپریالیستی تصور کرد که یک طرف عمده آن یک قدرت سوسیالیستی به مثابه قدرت جهانی باشد؟ صلح امپریالیستی بدین معنی است که مثلاً اتحاد شوروی یا تسلیم اجحاف آمریکا شود، یا نیروی نظامی خود را به سود امپریالیسم آمریکا تضعیف کند، و یا بر سر سایر کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای رهایی بخش ضد امپریالیستی، با ایالات متحده به معامله بنشیند. به گمان من، قرارداد آی. ان. اف هیچ یک از این حالات را به همراه ندارد. بر این اساس به نظر من کاملاً نادرست است که آن را یک صلح امپریالیستی بنامیم. برعکس کاملاً ممکن است که بگوئیم سیاست بسیار واقع بینانه تر و انصاف پذیرتر اتحاد شوروی ایالات متحده را وادار به پذیرش عناصر یک سیاست صلح دمکراتیک می کند. هرگاه از اهداف جنبش صلح حرکت کنیم، آنچه تحقق یافته تنها یک آغاز است، اما به نظر من در روندهای کنونی آنچه تعیین کننده است، سمت تحول است. اینکه در همین حال عناصری از سازش با امپریالیسم در این روابط موجود است، به لحاظ تاریخی اجتناب ناپذیر است و ضمناً به سود همه ما نیز هست.

رابطه ای نو با سوسیالیسم

گئورگ فولبرت: از جمله وظایف سیاسی ما، رابطه ای متقابل تر و با صراحت تر با کشورهای سوسیالیستی است. رابطه ما با کشورهای سوسیالیستی، همبستگی بوده و هست. در گذشته، شکل این همبستگی در بسیاری موارد تحت تأثیر عدم آگاهی و عدم صراحت بود. گمان می کنم زمان آنگونه همبستگی دیگر گذشته است. تنها نکته ای از "موج گارباچف" که من آن را برای خود ما مثبت می دانم، این واقعیت است که وی با تعاجم سیاسی خارجی خود، احزاب کمونیست غرب را دقیقاً به آن نقش کوچکی رانده است که با پذیرش آن باید بگوئیم: ما اصلاً این مسئولیت بزرگ را نداریم که سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی شکست بخورد یا اینکه شکوفا شود. مسئولیت ما این است که در یابیم موقعیت مقطعی کشورهای سوسیالیستی، حقیقت جاودانه نیست. البته روشن است که سوسیالیستی بودن این کشورها، باید حقیقتی جاودانه باشد. از این کشورها می توان دو چیز را آموخت: می توان فراگرفت که

اعاده حیثیت از بوخارین و ریکف



نیکلای بوخارین

کنترل حزبی بر عضویت تامسکی در حزب از سال ۱۹۵۴ تا کنیدورزید کمیسیون دفتر سیاسی، با اطلاع از گزارش کمیته کنترل حزبی، کار خود را ادامه داد. دفتر سیاسی ح.ک.ا.ش در اجرای تصمیم نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب تصمیم گرفت بنای یاد بودی برای قربانیان خودسری و سرکوبگری در سالهای کیش شخصیت أحداث شود.

شورای کمیسرهای خلق اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه بود. وی از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۵ در دفتر سیاسی عضویت داشت و کار همه جانبه‌ای در اجرای سیاست داخلی و خارجی حزب انجام داد. ریکف سهم بزرگی در تحقق عملی طرح لنینی تعاونی‌ها به عهده گرفت. گزارش کمیته کنترل حزبی سپس به اشتباهات سیاسی بوخارین و ریکف اشاره می‌کند. گزارش می‌افزاید بوخارین و ریکف در مبارزه سخت ایدئولوژیک در برخی موارد، مواضع خاصی پیرامون راهما و شیوه‌های ساختمان سوسیالیسم اتخاذ کردند، اما اشتباهات و مواضع ویژه آنها دارای خلعت ضد حزبی نبودند.

با توجه به این واقعیات، کمیته کنترل حزبی در بررسی عضویت بوخارین و ریکف به این نتیجه رسید که اتهامات وارده به آنها که به اخراج از حزب انجامید، بی پایه بوده است، هر دو دوباره به صفوف حزب پذیرفته شدند. کمیته همچنین مسئله عضویت م. تامسکی را بررسی کرد. وی نیز در دهه ۳۰ اماچ اتهامات ناروا قرار گرفت و خودکشی کرد. کمیته

بوخارین و ریکف را به اهدام محکوم کرد. در همان زمان این احکام به اجراء آمد. دادگان عالی اتحاد شوروی در ۴ فوریه ۱۹۸۸ حکم مزبور را لغو کرد.

در گزارش اخیر کمیته کنترل حزبی ح.ک.ا.ش آمده است نیکلای بوخارین که از سال ۱۹۵۶ عضو حزب بوده و نیز آریکف، که از سال ۱۸۹۸ در حزب عضویت داشت، فعالانه در تدارک و انجام انقلاب اکتبر شرکت داشتند. آنها پس از پیروزی انقلاب، عهده‌دار مسئولیت‌های حساس در حزب و دولت شدند. بوخارین و ریکف از هیچ تلاشی جهت مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم فروگذار نکردند.

بوخارین از ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۴ عضو و از ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ عضو علی‌البدل کمیته مرکزی بود وی از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ در دفتر سیاسی عضویت داشت. بوخارین مدت‌ها سردبیر پروداو ایزوسیتا بود. اسناد تعدادی از کنگره‌ها و برنامه بین الملل کمونیستی که او شرکت فعال در آن داشت، تدوین شد. آریکف در سال ۱۹۲۱ معاون صدر و از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۵ صدر

بدنبال تشکیل جلسه کمیسیون دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش) به منظور تحقیق بیشتر پیرامون اسناد اتهامات سرکوبگرانه در سالهای ۳۰ و ۴۰، اعلام شد کمیته کنترل حزبی در جنب کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش، نیکلای بوخارین و آ. ریکف را بار دیگر به صفوف حزب پذیرفته است. شمار دیگری از کادرهای حزب نیز دوباره به عضویت حزب درآمدند. از آن جمله‌اند: آروزنگلانتس، م. چرنف، ب. بولانف، و. ماگزیف، دیگفسکی، وک. راکفسکی.

پلنوم کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش (بلشویک) در سوم مارس ۱۹۳۷ بر پایه اسناد ارائه شده از سوی کمیته‌سازمای خلق برای امور داخلی، بوخارین و ریکف را از کمیته مرکزی و حزب اخراج کرده بود. اتهام بوخارین و ریکف، همدستی با فعالیتهای تروریستی و فعالیت ضد حزبی و جاسوسی و فعالیت علیه عالی مبارزه علیه لنین بود. دادگاه عالی اتحاد شوروی در ۱۳ مارس ۱۹۳۸ بر پایه مدارکی که در جریان بازپرسی جعل شده بودند،

نقش احزاب کمونیست

بقیه از صفحه قبل

امپریالیسم را وادار به صلح کنیم، این کار خود یک گام بسوی سوسیالیسم است. در اینجا یک مسئله بسیار مهم، مسئله بقا را با مسئله ای کاملاً ویژه، یعنی نیل به سوسیالیسم، در می آمیزند. این، خطای حزب جنبش است.

آیانیازی به نشریه روزانه هست؟

یوزف شلایفشتاین: درباره مسائل درون حزبی مورد اشاره تو، باید بگویم تا آنجا که مربوط به سیاست انتخاباتی است، ما پس از بحث مبسوط و فراگیر درون حزبی، در کمیته مرکزی مصوبه‌ای گذراندیم.

به نظر من، ارزیابی تو از نشریه روزانه "هصر ما" بازتاب نظر یک روشنفکر است که بسیاری چیزهای دیگر می‌خواند و می‌تواند از همه جا اطلاعات کسب کند. اما من نظر تو، و همچنین نظر خودم درباره روزنامه را کاملاً بی اهمیت می‌دانم. آنچه اهمیت دارد، نظر فعالین در جنبشها و رفقای حوزه‌های پایه است، و هرگاه این را ملاحظه قرار دهیم، به نظر من به ارزیابی

ایفا کنیم، به عنوان محورها کار و تمرکز پراتیک ما بر روی آنها، یعنی ما باید واقعا وظایف خود را در جهاتی هدایت کنیم که بیشترین بازده را داشته باشیم، در جهاتی که بنابر مواضع نظری و سیاسی خود، باید هم بیشترین بازده را داشته باشیم.

بنظر من ح.ک.ا. باید، از جمله تحت تاثیر پرسترویکا، با نزدیکترین همجواران سیاسی خود همکاری کند و از این زاویه بکوشد بحث گسترده تری با شرکت کمونیستها، سوسیال دمکرات های چپ و نیروهای اکوسوسیالیست (سوسیالیستهای طرفدار حفظ محیط زیست) آغاز کند تا بتواند کل چپ را تقویت کند.

۱- در مورد انرژی اتمی، سالها میان حزب کمونیست آلمان و سایر نیروهای ضد انحصاری اختلاف نظر بوده است. حزب کمونیست آلمان از اتخاذ مواضع بر علیه انرژی اتمی بطور کلی، خودداری می‌کند.

۲- ارنست تلمان رهبر بر جسته حزب کمونیست آلمان تا سال ۱۹۳۳ بود، تحت رهبری وی، حزب نزدیک به ۳۰ درصد آرا را به دست آورد. تلمان در سال ۱۹۳۳ توسط فاشیستها بازداشت شد و پس از ۱۱ سال پایداری، در سال ۱۹۴۴ اعدام شد.

متفاوتی خواهیم رسید. گئورگ هزیز، یک گروه سیاسی مانند حزب ما که تا این حد با آن مبارزه و علیه آن افترا زنی می‌شود، به نوعی ارگان رسانه نیاز دارد که رفقا هر روز خود را در آن باز یابند، بتوانند هر روز یکپارچگی و فعالیت حزب را در آن بازتاب دهند و در آن، استدلالهای ساده‌ای بیابند، اینکه "هصر ما" از عهده این کار بر می آید یا نه، مسئله بزرگ ماست. به نظر من، این سوالی است که باید از رفقای حوزه‌های پایه کرد و نه از ما. با اینکه من خود سالها عضو هیات تحریریه بوده‌ام، اجازه قضاوت را به خود نمی‌دهم، زیرا من خود بخود بطور اجتناب ناپذیر از روزنامه بکلی انتظارات دیگری دارم تا یک کارگر کارخانه یا یک کارمند یا یک دانشجو.

از این گذشته، به نظر من مسائل درون حزبی ما رانمی‌توان در تضاد "حزب توقف" و "حزب جنبش" خلاصه کرد. با اینکه این جریانات موجودند، من در آنها درهم آمیختگی قوی زیادی می‌بینم. من در این رابطه بسیار مهم می‌دانم که ما تلاش کنیم دو چیز را تلفیق نماییم: اول **واقع بینی** درباره امکانات خود ما. در این رابطه، "حزب جنبش" به همان اندازه بد است که "حزب توقف". ثانیاً تلاش برای تعیین کاملاً هشیارانه و مشخص هر صه‌هایی که ما در آن واقعا می‌توانیم سهم مهمی در کل روند سیاسی

جشنواره هنری علیه پینوشه

۲۲۴ هنرمند، دانشمند و سیاستمدار از ۲۶ کشور، از جمله گراهام گرین نویسنده انگلیسی، جردین چاپلین هنرپیشه آمریکایی، اتوره شولا کارگردان ایتالیایی، میکیس تئودوراکیس آهنگساز یونانی و ارنستو کاردینال شاعر و سیاستمدار نیکاراگوئه‌ای، با شرکت در یک جشنواره فرهنگی برای دموکراسی در سانتیاگو به موج اعتراض علیه رژیم پینوشه نیروی جدیدی بخشیدند. رژیم پینوشه از شرکت تعدادی از مدعوین در جشنواره جلوگیری کرد. از این جمله، می‌توان از هرمان کانت رئیس اتحادیه نویسندگان آلمان دمکراتیک نام برد.

انگیزه برگزاری جشنواره، هشتاد و چهارمین زادروز پابلو نرودا شاعر بزرگ خلق شیلی در روز ۱۲ ژوئیه بود.

در روز سه‌شنبه ۱۲ ژوئیه پلیس رژیم پینوشه با حمله به تظاهرات هنرمندان در سانتیاگو، پنج تن از آنها را بازداشت و تظاهرات را متفرق کرد.

همزمان با برگزاری جشنواره هنری، ساکنان یک محله فقیرنشین سانتیاگو با راه‌انداختن یک «مارش گرسنگی» خواهان برکناری پینوشه شدند. پلیس با گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش به تظاهرات حمله ور شد و صد تن را دستگیر و ۶ نفر را مجروح کرد. عکس، گوشه‌ای از خشونت پلیس علیه تظاهرات زنان زحمتکش را در روز دوشنبه ۱۱ ژوئیه نشان می‌دهد.

سانتیاگو پایتخت شیلی در روز پنجشنبه ۳۰ ژوئن نیز شاهد تظاهراتی به دعوت اتحادیه سندیکایی سان، ب (رهبری ملی زحمتکشان) بود. پلیس با گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش به این تظاهرات حمله و آن را متفرق کرد.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بحرین

«جمعیت دفاع از حقوق بشر در بحرین» اعلام کرد از روز سوم ژوئن، زندانیان سیاسی بحرینی متمم به هضویت در جبهه رهایی‌بخش ملی بحرین، که در ۳۰ اکتبر ۱۹۸۷ محکوم شده‌اند، دست به اعتصاب غذا زده‌اند. خواست زندانیان، پایان دادن به رفتار توهین‌آمیز پلیس و به رسمیت شناخته شدن آنها به‌عنوان زندانی سیاسی است. زندانیان همچنین خواستار ملاقات منظم با بستگانشان، دسترسی به کتاب و نشریات و قطع حبس انفرادی شده‌اند.

جمعیت دفاع از حقوق بشر در بحرین از محافل جهانی خواسته است با ارسال تلگرام‌های اعتراض به نخست‌وزیر و وزیر کشور بحرین، از خواستهای زندانیان سیاسی بحرین پشتیبانی کنند.

اخراج سفیر آمریکا از نیکاراگوئه

سفیر آمریکا در نیکاراگوئه همراه با هفت دیپلمات دیگر آمریکایی به علت فعالیت‌های ضدولتی از این کشور اخراج شدند. بدنبال این اقدام نیکاراگوئه، دولت آمریکا نیز سفیر و هفت دیپلمات دیگر نیکاراگوئه را از ایالات متحده اخراج کرد.

به گفته سر جیو رامیرز معاون رئیس جمهور نیکاراگوئه، مدارکی بدست آمده است که حاکی از شرکت کارکنان سنارت ایالات متحده در نیکاراگوئه در یک تظاهرات ضدولتی در روز یکشنبه ۱۰ ژوئیه است.

از میان دیگر رویدادها

● دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده ویژه‌ای برای حل سیاسی مسئله کامبوج به جنوب خاوری آسیا فرستاد. ماموریت این فرستاده، یافتن راه حلی برای احیای صلح و ثبات در این منطقه است.

● در حمله تروریستی به یک کشتی یونانی، ۹ تن از مسافران این کشتی به قتل رسیدند. مقامات یونانی اعلام کرده‌اند هنوز تحقیق درباره‌ی هلاک این حادثه به نتیجه نرسیده است. تروریستها توانستند پس از ارتکاب عمل بگریزند.

● میخائیل گارباچف دیدار چهارروزه‌ای از لهستان به عمل آورد. وی از سوی مردم این کشور به گرمی استقبال شد. گارباچف حمایت کشورش را از تلاشهای رهبری لهستان برای انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی در این کشور اعلام کرد.

● مایکل دوکاکیس کاندیدای حزب دمکرات آمریکا برای احراز ریاست جمهوری، سناتور لوید بنتس سیاستمدار راستگرا را به عنوان نامزد معاونت رئیس جمهور معرفی کرد. این اقدام مورد اعتراض جسی جکسون سیاستمدار سیاهپوست حزب دمکرات قرار گرفت. جکسون پس از دوکاکیس بیشترین طرفدار را در میان رای‌دهندگان به حزب دمکرات دارد و مطابق یک سنت، باید به عنوان نامزد معاونت رئیس جمهور معرفی شود.

تظاهرات برای افزایش حداقل دستمزد در شیلی صورت گرفت. شمار زیادی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات بازداشت شدند. در مقابل یورش پلیس، نوجوانان کوشیدند با پرتاب سنگ و سنگساز از خود دفاع کنند.

حزب کمونیست شیلی در بیانیه‌ای از مردم دعوت کرد در همه پرس‌سی سپتامبر آینده درباره ریاست جمهوری، به ادامه زمامداری پینوشه رای منفی دهند. در این بیانیه آمده است رای منفی به ادامه ریاست جمهوری پینوشه به معنای ایجاد زمینه‌ی محو دیکتاتوری است.



تشدید بحران در قره‌باغ

ارگانه‌های بالاتر شده است. این مصوبه می‌افزاید شورای قره باغ بطور آشکار نظم ملی - دولتی جمهوری آذربایجان را که در قانون اساسی اتحاد شوروی و جمهوری آذربایجان تشریح شده است، زیر پا گذاشته است و این امر، لطمه سنگینی به نوسازی در آذربایجان وارد آورده، توجه مردم را از حل مسائل حاد رشد اجتماعی و اقتصادی، منحرف می‌کند. در ادامه مصوبه آمده است تصمیم شورای قره باغ مانع تحقق عملی مصوبه کمیته مرکزی حزب کمونیست و شورای وزیران اتحاد شوروی در باره تدابیری جهت شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی و اقتصادی منطقه خودمختار قره باغ در سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۵ می‌شود.

به گفته سخنگوی وزارت خارجه شوروی، شورای عالی جمهوری ارمنستان که در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۸ از پیوستن منطقه قره باغ به ارمنستان جانبداری کرده بود، در روز ۱۸ ژوئیه بار دیگر پیرامون این امر تشکیل جلسه خواهد داد. همچنین به گزارش خبرگزاری ما، به زودی شورای عالی اتحاد شوروی نیز به بررسی مساله خواهد پرداخت.

شورای نمایندگان خلق منطقه خودمختار قره باغ در آذربایجان شوروی، در روز سه‌شنبه ۱۲ ژوئیه در اجلاس خود در شهر استپاناکرت مرکز این منطقه، مصوبه‌ای به جانب‌داری از خروج این منطقه از قلمرو جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، گذرانده این اجلاس، کمیته اجرایی شورای منطقه را مأمور کرد رسماً تغییر نام منطقه را به «منطقه خودمختار ارمنی آرتساخ» تقاضا کند.

بدنبال این تصمیم شورای قره باغ، هیات رئیسه شورای عالی آذربایجان در همان روز، مصوبه قره باغ را مغایر با قانون اعلام، و آن را لغو کرد.

به گزارش خبرگزاری تاس، هلیرقم فراخوان شورای منطقه قره باغ خطاب به مردم این منطقه برای از سرگیری کار، در روز چهارشنبه همه واحدهای صنعتی شهر استپاناکرت تعطیل بودند. وسایط نقلیه عمومی نیز کار نمی‌کردند. فروشگاه‌ها و واحدهای خدماتی بسته بودند.

در مصوبه هیات رئیسه شورای عالی آذربایجان، شورای منطقه قره باغ متمم به نقض اصول قانونیت و لازم‌الاجرا بودن تصمیمات

افکار عمومی جهان آمریکا را محکوم می کند

در هفته گذشته نیز بحث و بررسی پیرامون حمله موشکی ناوگان جنگی آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در مطبوعات بین المللی و مجامع سیاسی ادامه داشت. تناقض گویی های مکرر مقامات آمریکایی پیرامون این حادثه، انزجار بیشتری را در سطح بین المللی نسبت به این اقدام جنایتکارانه برانگیخت. افکار عمومی جهان، به شکلهای مختلف این اقدام را محکوم کرد. مقامات آمریکا، پس از مدتی تناقض گویی، همه روی این تم همزمان شدند که این اقدام را یک واکنش دفاعی جلوه دهند، واکنش دفاعی در برابر یک هواپیمای مسافربری!

جرج بوش معاون نماینده آمریکا در جلسه شورای امنیت سازمان ملل، که به منظور بررسی این حادثه برگزار شده بود، بر همین نظر پای فشرده پیش بینی

می شود که شورای امنیت در این زمینه قطعنامه ای انتشار ندهد. جمهوری اسلامی می کوشد در تبلیغات خود از این موضوع برای تخطئه کردن تلاشهای سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ، بهره برداری کند.

۲۹۰ نفر قربانی حمله موشکی آمریکا به هواپیمای مسافربری شدند (در آغاز تعداد قربانیان تا ۳۰۰ نفر ذکر شده بود.)

در هفته گذشته اعلام شد که دولت آمریکا به خانواده های قربانیان خسارت پرداخت خواهد کرد. ناظرین سیاسی و مطبوعات عمده بین المللی اقدام آمریکا را بیشتر دلجویی از دولت ایران میدانند تا خانواده های قربانیان حادثه. فیتز جرالده، سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید، صراحتاً بر این نکته تاکید کرده است.

پیشنهاد شوروی

برای تشکیل اجلاس سران کشورهای اروپایی

فیر هسته ای در جریان است، اما هیچ نتیجه ای به بار نیآورده است. دولت های اروپایی غربی تا کنون در مورد پیشنهاد جدید گارباچف سکوت کرده اند. اما احزاب سوسیال دمکرات این کشورها، این پیشنهاد را مفید و سازنده خوانده، از آن استقبال نمودند.

لازم به یادآوری است دولت های غربی همواره علت عدم موافقت خود با کاهش سلاح های هسته ای در اروپا را وجود تسلیحات فیر هسته ای قلمداد کرده اند. پیشنهاد جدید شوروی، گامی در جهت تمرکز نیرو برای پیشبرد امر خلع سلاح در عرصه سلاح های فیر هسته ای محسوب می شود و اگر اجرا گردد، زمینه ساز از میان رفتن بهانه ها بر سر راه خلع سلاح هسته ای خواهد شد.

میخائیل گارباچف رهبر شوروی در جریان دیدار هفته گذشته خود از لهستان ابتکار صلح جدیدی را از سوی رهبری کشورش اعلام داشت. وی پیشنهاد کرد سران همه کشورهای اروپایی و نیز ایالات متحده، برای مذاکره پیرامون کاهش سلاحها و نیروهای فیر هسته ای در اروپا، در یک کنفرانس گرد هم آیند. گارباچف افزود اتحاد شوروی آماده است تا از نیروهای خود که در اروپای شرقی مستقرند، بکاهد.

پیشنهاد شوروی از سوی دولت آمریکا مورد استقبال قرار نگرفت. سخنگوی دولت ریگان مدعی شد که پیشنهاد جدید گارباچف برای انصراف اذهان از گفتگوهای وین انجام می گیرد. سالهاست که در وین مذاکراتی در سطح کارشناسان برای کاهش تسلیحات

نقش احزاب کمونیست در اروپای غربی

یوزف هلاقیفشتاین، تاریخدان و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان فدرال و برگرفته از روزنامه "بصر ما"، ارگان حزب، شماره ۶ ژوئیه ۱۹۸۸ است. فولبرت و هلاقیفشتاین در این باره به بحث می پردازند که چرا حزب کمونیست آلمان فدرال به مثابه وارث حزبی که تا پیش از ممنوع شدن، گاه تا ۴۰۰ صدآرای رای دهندگان رابه خود اختصاص می داد، امروز در آلمان فدرال نمی تواند نقش قاطعی در تحولات ایفا کند. بازتاب این واقعیت، تجاوز نکردن آرای حزب از ۲٫۵ درصد است. بقیه در صفحه ۱۲

مدتی است که در صفحات ماهنامه "وراق مارکسیستی"، ارگان تئوریک حزب کمونیست آلمان فدرال، بحث گسترده ای پیرامون نقش، جایگاه و امکانات مبارزاتی احزاب کمونیست در کشورهای سرمایه داری و بویژه موقعیت حزب کمونیست آلمان فدرال انجام می گیرد. این بحث با مقاله ای به نوشته پروونسور گئورگ فولبرت آغاز شد و سپس شمار دیگری از تئوریسین های حزب کمونیست فدرال به بحث درباره تزه های مطرح شده در مقاله فولبرت پرداختند. گفتگویی که در این شماره می آوریم، متن مباحثه گئورگ فولبرت با پروونسور

اقدامات اعتراضی در شهرهای آمریکا علیه جنایت سرنگون ساختن هواپیمای ایرانی

نیویورک

روز هفتم ژوئیه به دعوت ائتلاف ضد نظامی آمریکا در خلیج فارس تظاهراتی در برابر دفتر سازمان ملل متحد برپا شد. در این تظاهرات تعداد زیادی آمریکایی نیز حضور داشتند. تظاهرکنندگان ضمن محکوم کردن عمل فاجعه بار ساقط کردن هواپیمایی مسافربری ایران خواستار خروج ناوگان نظامی آمریکا از خلیج فارس شدند. در این تظاهرات هواداران سازمان حضور فعالی داشتند.

دالاس

روز ششم ژوئیه در شهر دالاس تظاهراتی علیه اقدام فاجعه بار آمریکا برگزار شد. خبر این تظاهرات که ده ها تن از ایرانیان مقیم این شهر از جمله هواداران سازمان مادر آن شرکت داشتند، از روزنامه های محلی بازتاب یافت.

سانفرانسیسکو

به دعوت کمیته صلح و دمکراسی در ایران و کمیته همبستگی با مردم ایران، در روز ۵ ژوئیه تظاهرات

ایستاده ای در مقابل ساختمان فدرال برپا شد در این تظاهرات که قریب ۱۵۰ نفر در آن شرکت داشتند، جنایت کشتار ۲۹۷ نفر سرنشینان هواپیمای مسافربری توسط آمریکا و حضور ناوگان این کشور در خلیج فارس محکوم گردید. این تظاهرات که با شرکت گروه ها و شخصیت های مختلف انجام یافت در رسانه های گروهی بازتاب وسیعی داشت.

میشیگان

علیه جنایت هولناک کشتار ۲۹۷ انسان بی گناه که با پرتاب موشک به سوی هواپیمایی مسافری ایران توسط ناوگان آمریکا در خلیج فارس به وقوع پیوست در میشیگان آمریکا نیز تظاهراتی انجام یافت. در این تظاهرات ده ها نفر از شهروندان آمریکایی نیز شرکت داشتند. هواداران سازمان در این تظاهرات ضمن محکوم کردن جنایت هولناک آمریکا جمهوری اسلامی را بخاطر ادامه جنگ و زمینه سازی حضور نظامی آمریکا در منطقه، شریک این کشتار اعلام کردند.

<p>AKSARIYAT NO. 216 MONDAY, 18 JUL, 88</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W. GERMANY</p>
<p>حساب بانکی: AUSTRIA . WIEN BAWAG IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI NR. 02910701-650 DR. GERTRAUD ARTNER</p>	<p>یا جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>